

نشان این نهاد در روند گسترش دموکراسی و مشارکت شهروندان در سرنوشت جامعه و همچنین پشتیبانی از حقوق وکلا و تأمین امنیت حرفه‌ای آنها منوط به استقلال این کانون است.

متنی که اخیراً به عنوان پیش‌نویس قانون وکالت از سوی قوه قضاییه ارائه شده، ناظر بر عزم ادغام کانون وکلای دادگستری ایران در زاینده ناموجهی چون تأسیس وکالت دولتی و زوال استقلال کانون‌های وکلا می‌باشد و تنزل شان وکلا به عوامل تصمیم‌گیر در امر وکالت که در اختیار نمایندگان دولت و قوه قضاییه خواهد بود را موجب می‌شود.

با عنایت به این که کانون وکلا بر اساس پیش‌نویس مزبور در پذیرش و آموزش کارآموزان وکالت، نقش نخواهد داشت و تنها به تحصیل حق عضویت وکلا برای تأسیس کانون ملی مجاز خواهد بود و با نفی نقش مدیریت کانون، شأن آن را تا حد کارپرداز خواهد کاست و مداخله دادستان عمومی و نهائماً مراجع قضایی در روند رسیدگی تخلفات انتظامی وکلا که به تسلط دولت و قوه قضاییه بر کانون و در نتیجه تهدید دفاع از حقوق شهروندان منتهی می‌شود عدم پیش‌بینی ترتیبات حمایتی موثر از وکلا در برابر تعدیات و فشارهایی که ممکن است در ایفای وکالت حرفه‌ای بر آنها وارد گردد و عدم پیش‌بینی حضور وکیل در همه مراحل دادرسی کیفری، کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا این پیش‌نویس را مغایر موازین حقوق بشر در زمینه دادرسی عادلانه و پشتیبانی از حقوق شهروندان می‌داند و از کلیه حقوقدانان، وکلای دادگستری، قضات نهادهای غیردولتی و شهروندان، اعتراض گسترده نسبت به این پیش‌نویس ناخوش و ناقص قانون را خواستار است. همگان را به پاسداشت مجدانه حق دفاع و استقلال نهادهای غیردولتی فرا می‌خوانیم.

چشم‌بند، دست‌بند و پابند زندانیان سیاسی

عمادالدین باقی در دومین نشست انجمن دفاع از حقوق زندانیان درباره‌ی مرخصی، ملاقات، چشم‌بند، دست‌بند، پابند با تأکید بر



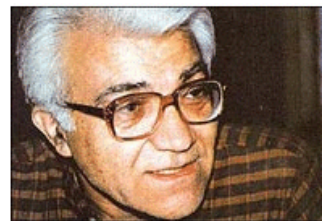
این که هیچ قانونی نمی‌تواند حق استفاده از وسایل ارتباطی و ملاقات را از زندانی سلب کند، با ارایه‌ی گزارش مختصر از وضعیت مرخصی‌ها در سال ۸۳ اظهار داشت: استفاده از چشم‌بند برای زندانی، این مفهوم را دارد که برای ایجاد ارعاب و ترس به او چشم‌بند زده‌اند و این به نوعی توهین به شخصیت تلقی می‌شود.

کانون وکلای فرانسه

آزادی فوری ناصر

زرافشان را خواستار

شد

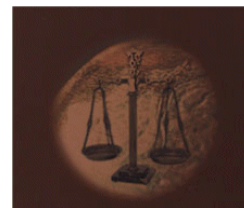


در پی سفر خانم

شیرین عبادی، فعال حقوق بشر، به پاریس و ملاقات او با اعضای کانون وکلای فرانسه، رئیس هیات مدیره این کانون به یک سری فعالیت‌های حقوقی جهت تأمین آزادی ناصر زرافشان، وکیل در بند، دست زد. بر اساس گفته ماکسیمیلیان جزنی، وکیل دادگستری در فرانسه، کانون وکلای پاریس تا زمان آزادی ناصر افشان از فعالیت‌های خود در این زمینه دست برنخواهد داشت. زرافشان نزدیک به سه سال است در زندان به سر می‌برد. جزنی می‌گوید: "چنانکه خانم عبادی در مذاکره با کانون وکلای فرانسه توضیح داد، مشکلات وکلا در ایران دو دسته است: یکی لایحه‌ای است که به استقلال کانون‌های وکلا پایان می‌دهد و مسئله دیگر، مشکلات وکلاست در دفاع از پرونده‌ها، که نمونه آن محکومیت ناصر زرافشان به حبس است به خاطر دفاع از موکلانش، که تاکنون سه سال از پنج سال را طی کرده است". همچنین وی گفت: "قوه قضاییه جمهوری اسلامی باید بین مخالفان سیاسی و وکلای آنها تمیز قائل شود." هیات رئیسه کانون وکلای پاریس نگرانی خود را از سلامتی ناصر زرافشان ابراز کرد و خواستار آزادی فوری او شد.

بیانیه اعتراض علیه حکومتی کردن "کانون وکلای ایران"

شیرین عبادی در همایش استقلال کانون وکلا و در اعتراض به پیش‌نویس قانون وکالت متن بیانیه اعتراضی کانون دفاع از حقوق بشر ایران



را به شرح زیر قرائت کرد:

پشتیبانی و پیشرفت حقوق بشر متضمن شناسایی حقوق، تضمین حقوق و ترویج آن است کانون وکلای دادگستری در تضمین و ترویج حقوق بشر نقش نمایانی دارد شناسایی حقوق به تنهایی کافی نیست و می‌باید با تضمینات مؤثر همراه باشد. عدالت قضایی و دسترسی به دادرسی عادلانه جزء لاینفک حقوق بشر است و حق دفاع رکن اصلی دسترسی به دادرسی عادلانه است و حق دفاع منوط به استقلال و امنیت وکلا است وانگهی کانون وکلای دادگستری به مثابه کهن‌ترین و نیرومندترین نهادهای مدنی کشور سهم شایانی در نهادینه کردن دموکراسی در جامعه دارد و نقش و

تمام نمایندگان کارگری در مقابل دفتر کانون عالی کارفرمایان تحصن خواهند کرد.

حسن صادقی دولت را متهم کرد که "اصلاً به فکر کارگران نبوده و تمام فکرش حمایت از سرمایه و سرمایه داران شده است و در این راستا کارفرمایان هم از آب گل آلود به خوبی ماهی می گیرند" در همین مورد پرویز احمدی رییس کانون شوراهای اسلامی تهران نیز تأکید کرد دستمزدی که هم اکنون برای کارگران تعیین شده بسیار پایین تر از خط فقر است و با این حال کارفرمایان می خواهند آن را نپردازند. وی خواهان پایبندی نمایندگان دولت و کارفرمایان به توافق های سال گذشته در خصوص دستمزد کارگران شد. وی گفت براساس آمار و ارقام رسمی دستمزد سال ۸۴ رقم ۱۴۳ هزار و ۶۶۲ تومان تعیین شده و توافق به کمتر از آن خیانت به کارگران است.

۵۵ انتشاراتی ایران خواهان

پیگیری حمله و تخریب

انتشاراتی روشنگران شدند

در پی به آتش کشیدن دفتر انتشارات روشنگران (متعلق به شهلا لاهیجی) از طرف ایادی رژیم، جمعی از ناشران کتاب در



نامه ای به رئیس جمهور خواستار بررسی و پیگیری علل این واقعه شده اند. در نامه ناشرین چنین آمده است:

"قطعاً از حادثه انفجار در دفتر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان و تخریب اموال و آثار فرهنگی موجود در آن مطلع هستیم. لذا مصراً خواستار شناسایی و معرفی عاملین این واقعه تاسف بار و انجام اقدامات جدی و لازم جهت پیشگیری از وقوع حوادث مشابه که امنیت شعلی ناشران و کتابفروشان را در معرض خطر قرار داده است، می باشیم."

انتشارات ارمغان، انتشارات آزاد مهر، انتشارات اسرار دانش، انتشارات آشیان، انتشارات آگاه، انتشارات اختران، انتشارات آگه، انتشارات امید فردا، انتشارات اردیبهشت، انتشارات افق، انتشارات بازتاب، انتشارات بازتاب نگار، انتشارات بهار، انتشارات بهنامی، انتشارات پیام امروز، انتشارات تک رنگ، انتشارات توس، انتشارات ثالث، انتشارات خجسته، انتشارات خورشید، نشر دیگر، انتشارات دنیا، انتشارات دانیال شیرمحمدی، انتشارات دنیای نو، انتشارات روزبهان، انتشارات ساغر، انتشارات سرایی، انتشارات شباهنگ، شرکت سهامی چاپخش، شرکت سهامی انتشار، انتشارات

همچنین توجیه مسولان زندان مبنی بر دلایل امنیتی در این خصوص به هیچ وجه منطقی نیست؛ چرا که اولاً زندانبانان و بازرسان به تدریج توسط زندانی شناخته می شود و دیگر این که طبق مادهی ۱۲۴ آیین نامه ی دادرسی هیچ کس را قبل از تدارک ادله ی کافی نمی توان احضار یا بازپرسی کرد.

وی ابراز داشت: در پرسشی که از ۲۵ نفر زندانی سیاسی در سال ۸۳ شده بود نشان داد در مورد ۲۵ نفر از چشم بند، ۲۰ نفر دست بند و ۵ نفر از پابند استفاده شده که در مورد زندانیان سیاسی هیچ توجیهی در استفاده از این وسایل وجود ندارد. باقی خاطر نشان کرد: دلیل استفاده از پابند و دست بند، کثرت زندانیان و نبود مامور کافی است.

زهرا کاظمی با ضربه مغزی به قتل رسید

دکتر سیدشهاب الدین صدر، در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا، درباره تاخیر در رسیدگی قطعی به پرونده قتل "زهرا کاظمی" خبرنگار عکاس بین المللی ایران تبار گفت:



" یکی از کارنامه های درخشان پزشکی قانونی در سال های اخیر رسیدگی به پرونده های مرگ زهرا کاظمی است؛ این ها جزء موفقیت آمیزترین و دقیق ترین کارهای کارشناسی تاریخ پزشکی قانونی است. پرونده خانم زهرا کاظمی، از طریق دادگاه ارجاع شد، که علت فوت تعیین شود. وقتی ما اعلام کردیم علت فوت ضربه مغزی است، به سرعت به رئیس قوه ی قضاییه و رییس جمهور ارجاع شد و تمام اتفاقاتی که افتاد با محوریت پزشکی قانونی بود. یعنی کمیسیون هایی که در این باره تشکیل دادیم. تاریخی بود، که تمام جراحان مطرح کشور و شخص وزیر بهداشت به عنوان کارشناس عضو کمیسیون بودند؛ در همه جای دنیا هم تنها سازمانی که هیچ خدشه ای به کارش وارد نکردند، کار پزشکی قانونی بود. اما پرونده در حال حاضر در جریان است چون افرادی متهم شدند و باید از خود دفاع کنند."

در صورت عدم توافق بر سر دستمزدها تحصن می کنیم

حسن صادقی رییس کانون شوراهای اسلامی گفت: اگر به افزایش دستمزد کارگران در قبال توافق سال گذشته شورای عالی کار عمل نشود،



سندیکایی - اتحادیه ای قادر خواهد بود از منافع قانونی و مشروع کارگران ایران دفاع کرده و تشکیلات سندیکایی - اتحادیه ای مستقل و آزاد، ابزار واقعی و کارآمد زحمتکشان و ضامن برقراری روابط سه جانبه اصولی و پایدار با شرکای اجتماعی خواهد بود.

در این بیانیه تاکید شده است: به دنبال پذیرش بی قید و شرط مقاله های هشت گانه موسوم به مقاله نامه های بنیادین کار به ویژه مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار مبنی بر حق آزادی فعالیت سندیکایی و اتحادیه ای و عقد قراردادهای دسته جمعی کارگران کشور از جمله کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در صدد احیا و برپایی سندیکایی کارگران به نفع حق آزادی فعالیت اتحادیه ای در چارچوب قراردادهای بین المللی پذیرفته شده توسط وزارت کار جمهوری اسلامی ایران و برخی شرکای اجتماعی آن اقدام کرده اند. براساس این بیانیه، از سوی ادارات حراست شرکت واحد و برخی عوامل شوراهای اسلامی زیر پوشش «خانه کارگر» تحت فشار قرار گرفته اند. در موارد بسیاری، کارگران داوطلب عضویت در سندیکا که در جلسات آموزشی حضور می یابند بلافاصله توسط اداره حراست واحد مربوطه احضار و تهدید به لغو قرارداد یا اخراج یا تبعید به مناطق دوردست می شوند. نتیجه این فشارها با ارسال نامه سرگشاده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به ریاست جمهوری است. هیات موسسان سندیکاهای کارگری اعلام کرده است مسئولان خانه کارگر به رغم امضای موافقتنامه در وزارت کار تحت نظارت نمایندگان سازمان جهانی کار و پذیرش اصلاح فصل ششم قانون کار، همچنان با سندیکا و فعالیت سندیکایی مخالفت می کنند.

شصت و یکمین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

در شصت و یکمین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گروهی از ایرانیان، نیروهای اپوزیسیون، کوشند



گان حقوق بشر به همراه تنی چند از خانوادههای زندانیان و قربانیان جنایات و ترورهای رژیم جمهوری اسلامی در شهر ژنو، میدان ملتها واقع در روبروی سازمان ملل گردهم آمدند، تا به اعضاء کمیسیون مربوطه اعلام نمایند، سال پیش بر لبهای خود

صورتگر، انتشارات طرح نو، انتشارات عطار، انتشارات فیروزه، انتشارات قصیده سرا، انتشارات ققنوس، نشر قصه، انتشارات کتاب مرو، انتشارات کتاب مهناز، انتشارات کوهسار، انتشارات کویر، انتشارات گل آذین، انتشارات گلبرگ، انتشارات گوتنبرگ، انتشارات گام نو، انتشارات مروارید، انتشارات مازیار، انتشارات معین، انتشارات مدرس، انتشارات مولی، انتشارات نیلوفر، نشر چشمه، انتشارات نقش و نگار، نشر علوم دانشگاهی، انتشارات یادآوران.

قصه جانم را کرده اند

خانم عبادی در جلسه هیات نظارت بر قانون اساسی. با نشان دادن مجله ی پرتو، ارگان آقای مصباح را نشان داد که نوشته، وی طرفدار بهایی هاست و نیز سخنان باقر خرازی دبیر کل حزب الله ایران که گفته بود، حیات شما مرهون رأفت نظام است. و روزنامه ی رسالت که مدعی است وی طرفدار اسرائیل است گفت: تحریکاتی علیه جان من می شود و اگر کسی فردا چاقو و یا طباچه یی زد آنها مقصر نیستند بلکه آنها (آیت اله مصباح) که چنین تحریک شان می کنند تقصیر دارند.



همچنین وی در مورد دادگاه های اخیرش توضیح داد که "اخیراً که احضارم کرده اند به دلیل شکایت یک خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان بود. وی به عنوان شاکی خصوصی یک سال بعد از آنکه در دیدار با آقای شیراک به وی دست داده بودم شکایت کرده که من از دیدن این عکس غیرت دینی ام به جوش آمده. این هم از شاکی خصوصی.

شیرین عبادی در مورد دادگاه قبلی وی که به ۲۵ روز زندانی شدن او منجر شد اظهار داشت که " آن پرونده مختومه شده است. آن پرونده مربوط به مسأله ی فرشاد ابراهیمی و نوار وی است. قرار ۱۵ ماه زندانی به جریمه ی نقدی تبدیل شده. ولی در این چند ساله جریمه ی نقدی را دریافت نمیکنند که وثیقه ی منزل ما را آزاد سازند.

احضار، تهدید و تبعید کارگران

هیات موسسان سندیکاهای کارگری حمایت خود را از فعالان صنفی و اتحادیه ها اعلام کرد. این هیات منتخب کارگری با صدور بیانیه ای اعلام کرد تشکیلات



سخنی نمی گوید!" وی در انتها صحبت خود، دفاع از فعالین در بند چون دکتر زرافشان را بسیار مهم دانستند .

مارس خونین در ترکیه

تظاهرات زنان در استامبول (ترکیه) با هجوم پلیس سرکوب شد. در این تظاهرات پلیس ترکیه زنانی را که



به مناسبت ۸ مارس دست به تظاهرات زده بودند زیر باتوم و مشت و لگد گرفت. یک صحنه از این یورش که در آن پلیس با لگد به صورت زن جوانی می‌زند که زیر دست و پای پلیس نقش بر زمین شده، بعنوان تکانه‌دهنده ترین فیلم خبری این تظاهرات بارها از شبکه "یورونیوز" پخش شد. پوشش خبری این تظاهرات و عکس العمل خشن پلیس ترکیه به گونه ای بود که پارلمان اروپا نیز آن را در ارتباط با خواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به بحث گذاشت.

درگذشت رهبر حزب کمونیست شیلی

مارین گلا دیس رهبر حزب کمونیست شیلی و چهره تاریخی مبارزه با دیکتاتوری پینوشه در سن ۶۳ سالگی درگذشت. ساعاتی پس از انتشار این خبر، ریکاردو لاگوس رییس جمهور



شیلی دو روز عزای ملی در سراسر این کشور اعلام کرد. خانم گلا دیس در زمان کودتا برضد دولت آینده رهبر جوانان حزب کمونیست بود و سپس به هلند پناهنده شد. وی در دوران پینوشه بارها مخفیانه به شیلی بازگشت و به چهره ای افسانه‌ای تبدیل شد و نامش در راس مبارزانی قرار گرفت که پلیس در تعقیب آنان بود. شوهر وی نیز در دوران پینوشه به قتل رسید و مفقودالاثرا گردید.

رهبر حزب الله تقاضای جورج بوش را رد کرد

شیخ حسن نصرالله گفت حزب الله باید مسلح باشد چون وظیفه دارد از لبنان دفاع کند رهبر حزب الله، گروه پیکارجو و اسلامگرای لبنانی،



تقاضای رئیس جمهور آمریکا برای خلع سلاح را رد کرده است.

مهر سکوت زدید و بی صدا از کنار جنایات رژیم جمهوری اسلامی گذشتید.

از سال پیش تا کنون نه تنها وضعیت حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی بهبود نیافته بلکه در سال ۲۰۰۴ همچنان ؛ صدور احکام اعدام، سنگسار ، قطع اعضاء بدن ، دستگیری و بازداشت فعالین سیاسی و فرهنگی ، دانشجویان ، روزنامه نگاران و توقیف مطبوعات ، افزایش بازداشتگاه ها و زندانهای مخفی و غیر رسمی ... ادامه داشته و بر آن نیز افزوده شده است.

حاضرین در جمع اعتراضی خواهان اعلام رای ناقص حقوق بشر بودن جمهوری اسلامی شده و علاوه بر آن در خواست استقرار دائمی و تعیین ناظر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی را دارند.

خانم پرستو فروهر در این مورد اظهار داشت که: "مساله اساسی پیشبرد حقوق بشر و استقرار آن و تلاش همه گیر تری توسط گروه‌های مختلف سوای از مرزهای و اندیشه ها است. گردهم آمدن خانواده قربانیان و تشکیل چنین برنامه هایی به مناسبتهای متفاوت و حمایت از آن بسیار مهم است. همچنین باید سعی شود نقض حقوق بشر ، به صورت خاص مطرح شود مثلا تاکید بر آزادی ناصر زرافشان ، استمرار بر تاکید اینگونه مورد خاص و همه گیر کردن آن میتواند بافت پشت قتلها را باز کند.

خانم سارا نوری دهکردی گفت : "می خواهیم سران جمهوری اسلامی در دادگاهی بین المللی محاکمه شوند ، بر اساس اطلاعات ما قرار است قاتلین میکونوس تا دو سال دیگر با یک جسد اسرائیلی معاوضه شوند و چنانچه چنین عملی صورت گیرد ، یقینا از نظر ما دولت آلمان زیر سوال است .

ما و خانم کژال عبدلی قصد شکایت و ادعای خسارت در رابطه با پرونده میکونوس را داریم و با وکیل خود نیز در رابطه نحوه طرح و موفقیت در دادگاه صحبت کرده ایم . شاید اپوزسیون با طرح ادعای خسارت نظر مساعد نداشته باشد ولی هدف ما در این مورد مفتوح بودن پرونده جنایات جمهوری اسلامی است تا فراموشی آن. برای تغییر وضعیت موجود نباید نا امید شد."

همچنین برادر ابراهیم زال زاده از قربانیان قتل های رژیم ایراد داشتند : "قتل های سیاسی صورت گرفته در دوران رفسنجانی و خامنه ای کاملا مشخص است، در نشستی که با نماینده سازمان ملل داشتیم خواهان محکومیت رژیم جمهوری اسلامی شدیم و گفتیم به دلیل معاملات اقتصادی این رژیم را از لیست ناقص ین حقوق بشر خارج نکنید. چرا ایرانی ها از حقوق انسانی کمتری در این ۲۵ سال نسبت به بقیه مردم دنیا برخوردارند و کسی در این نشستهای

نیروهای ژاپنی در عراق دست به اعتراض زده اند. این تظاهرات در شهر رم، پایتخت ایتالیا نیز قرار است به همین مناسبت یک راهپیمایی آرام برگزار شود.

سیلیو برلوسکونی، نخست وزیر ایتالیا اوایل این هفته گفت تصمیم دارد در ماه سپتامبر، برنامه خارج ساختن نیروهای ایتالیایی از عراق را آغاز کند. در لندن نیز مخالفان جنگ عراق یک تظاهرات ضد جنگ برگزار می کنند و در راهپیمایی خود از مقابل سفارت آمریکا عبور می کنند.

در نیویورک نیز معترضین با راهپیمایی به سوی پارک مرکزی شهر خواستار خروج نیروهای آمریکا از عراق خواهند شد.

خاوران

در روز جمعه ۲۸ اسفند سال ۸۳ در آخرین جمعه سال از همان ساعت های اولیه صبح جمعیت فراوانی بر سر مزار جانبختگان



اعدام های دهه ۶۰ خصوصا سال ۶۷ حضور یافتند. مزار این جانبختگان در جاده خاوران است. اکثر این قبور بی نام نشان هستند و به گفته خانواده گورهای دسته جمعی می باشند و تنها معدودی سنگ قبر دارند.

جمعیت حاضر شده در خاوران با قرار دادن شاخه های گل و عکس جانبختگان مراسم را شروع کردند. در حدود ساعت ۱۰ یکی از مادران با خواندن شعری یاد و ارمان آنان را گرامی داشت و سخنان کوتاهی هم ایراد کرد. سپس حاضران با کف زدن و درود قریستان او را همراهی کردند و سرود سر اومد زمستون را خواندند بعد دختر یکی از جانبختگان شعری را دکلمه کرد که حضار را بسیار تحت تاثیر قرار داد او با صدای رسا و در عین حال بغض آلود فضا را احساسی تر کرد. سپس حضار سرد بهاران خجسته باد کرامت دانشیان را خواندند. بعد از آن یک جوان شعری از سعید سلطان پور را خواند و جمعیت با درود های متوالی او را همراهی کردند. یکی از مادران شعر بر خیزیم حمید مصدق را خواند و جمعیت هم سرود بر پا خیز از جا کن را خواندند. بعد از آن خانم زرافشان پیام دکتر ناصر زرافشان را از داخل زندان برای جمعیت خواندند که با تشویق بی امان حضار همراه شد.

بقیه در صفحه ۱۳ و ۲۱

شیخ حسن نصرالله در مصاحبه ای تلویزیونی گفت حزب الله باید مسلح باشد چون این گروه وظیفه دارد در برابر اسرائیل از لبنان دفاع کند.

خبرنگاران می گویند درحالی که حزب الله اشاره کرده است که مایل به ایفای نقشی فعال تر در صحنه سیاسی لبنان است، اما ابهامی باقی نگذاشته است که تا زمانی که مناقشه اسرائیلی ها و فلسطینی ها ادامه دارد خلع سلاح نخواهد شد.

تاجر اروپایی فروشنده ی

مواد شیمیایی به صدام،

محاكمه می شود



به گزارش خبرگزاری رویتر،

دادستانان اعلام کردند، فرانس ون انرعت، تاجر هلندی ۶۲ ساله، هزاران تن عنصر گاز سمی برای دولت سابق عراق تهیه کرده است که در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ از آن ها در جنگ علیه ایران و شهروندان کردی اش از جمله حمله به حلبچه در سال ۱۹۸۸ استفاده کرده است. آژانس های بازرسی تسلیحات سازمان ملل، ون انرعت را یکی از مهم ترین دلایل در دستیابی مواد خام تسلیحات شیمیایی عراق می دانند. یکی از این دادستانان اظهار داشت: این مطلب روشن شده که در اواسط دهه ی ۸۰ دولت عراق گازهای سمی را در جنگ علیه ایران و مردم خودش استفاده کرد. قرار است صدام، دیکتاتور معزول عراق و علی حسین الماجد پسرعمویش به اتهام جنایاتی از جمله حمله به حلبچه محاکمه شوند. ون انرعت که اولین هلندی است که به نسل کشی و اتهام مرتبط با جنایات جنگی روبه روست در صورت محرز شدن حکمش به حبس ابد محکوم می شود. هر کدام از قربانیان عراقی و ایرانی حملات شیمیایی، در نظر دارند دادخواست پرداخت غرامت ۱۰ هزار یورو از ون انرعت را دنبال کنند. حدود ده ها کرد در خارج از دادگاه عالی امنیت با در دست داشتن پلاکاردی که در روی آن به حمله ی حلبچه اشاره شده بود، تجمع کردند. یکی از اعضای اتحادیه ی دانشجویان کرد اعلام کرد: این واقعه برگ سیاهی در تاریخ کرد بود.

تظاهرات سالگرد جنگ عراق

به مناسبت دومین سالگرد اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی، حدود ۴ هزار نفر در توکیو بر علیه حضور



کمیتة دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

عباس امیرانتظام

گام به گام بسوی اجرای میثاق ملی



تحقق میثاق ملی در یک روند تاریخی و دمکراتیک کاملاً میسر می‌باشد، ضامن موفقیت این حرکت تاریخی مشارکت فعال مردم و فراگیر بودن آن است از اینرو این حرکت در ذات خود دمکراتیک می‌باشد. در گذار

مسالمت آمیز به نظام دمکراتیک از طریق همه پرسی می‌بایستی از کلیه ظرفیت‌های ملی و ابتکارات فردی سود برد. تنها و یگانه محدودیت و خط قرمز این جنبش ملی عدم توسل به خشونت، تخریب و برهم زدن نظم جاری امور و معیشت مردم و بخصوص اقصای آسیب پذیر می‌باشد. حرکت ملی از همراهی و همبستگی همه ایرانیان شکل می‌گیرد. موفقیت حرکت مسالمت آمیز، دمکراتیک و غیرخشونت آمیز در گرو مسئولیت پذیری و مشارکت فعال همه ایرانیان در تعیین سرنوشت خویش می‌باشد. برای نیل به این منظور، هر مناسبتی بعنوان یک فرصت قلمداد می‌گردد. جشنها، اعیاد، مناسبت‌های ملی و مذهبی، میهمانیها، صف‌های انتظار میادین ورزشی، دانشگاه‌ها، مدارس، اماکن عمومی، اتوبوس‌ها... که امکان تجمع و گرد همایی طبیعی و عادی مردم را فراهم می‌کند بایستی برای حضور فعال مردم مورد استفاده جنبش مسالمت آمیز فراگیر قرار گیرند، این جنبش ملی با تکیه بر اراده ملی و حضور فعال همه ایرانیان بدون برهم زدن نظم عادی و اخلال در زندگی روزمره و با کمترین هزینه قادر است که دست آوردهای بزرگی را تحصیل کند.

در حرکت مسالمت آمیز، باید از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های اماکن مهم عمومی چون دانشگاه، اداره، کارخانه برای گردهم آیی، اعلام مواضع، طرح مسائل، تبادل نظر، حداکثر استفاده را برد. به این صورت جای جای میهن عزیزمان با حضور فعال و گسترده مردم به صحنه مبارزه برای حق تعیین سرنوشت با شیوه مسالمت آمیز تبدیل می‌گردد.

به برکت این حضور فعال و فراگیر مردم، حق آزادی بیان، اعتراض و تجمعات بطور طبیعی در جریان پروسه موازنه قدرت بدست می‌آید و شرایط برگزاری رفراندوم در میدان عمل فراهم می‌گردد. این جنبش اجتماعی و سیاسی که با توجه به شرایط بسیار مساعد داخلی و بین المللی بالقوه بسیار توانمند می‌باشد بر عنصر

رهبری و سازماندهی به مفهوم و شیوه سنتی آن تکیه نمی‌کند. هر ایرانی مسئول، خلاق و فعال امروزه یک رهبر و یا بخشی از عنصر رهبری دسته جمعی است و این بزرگترین سرمایه ملی در ریشه کنی عادات سنتی استبداد زدگی و ذوب شدن در کرامات این یا آن فرد است، در صورت ضرورت، رهبری در جریان حرکت دسته جمعی بصورت دمکراتیک از طرف مردم انتخاب خواهد شد. گام اول این جنبش اجتماعی - سیاسی و مسالمت آمیز بر حضور فعال مردم در اجتماعات، فراگیر شدن گفت‌وگو میثاق ملی، علنی کردن مطالبات، پی گیری مسالمت آمیز مطالبات، استوار می‌باشد. این کار باید به صورتی انجام گیرد که به زندگی روزمره و روال طبیعی امور لطمه وارد نکند. مثلاً یک ساعت در هفته بین ساعت دوازده تا سیزده، همه دانشجویان بدون تعطیلی کلاس در محوطه دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها دور هم جمع شده و به شیوه دلخواه خود به تبادل نظر پیرامون مسائل صنفی - اجتماعی سیاست پردازند.

برای پایان دادن به وضعیت اسفناک کشور و متوقف کردن چرخه باز تولید فقر، سرکوب و فریب، باید، شرکت در انتخابات فرمایشی و نمایشی را تحریم کرده و در عین حال از تسلیم شدن به قضا و قدر و امید بستن به چاره جویی‌های دیگران جداً پرهیز نمود و با تحریم انتخابات و مشارکت فعال در گذار مسالمت آمیز از طریق همه پرسی به نظام دمکراتیک رسید.

هموطن؛ زمان اتخاذ تصمیمات بزرگ، شجاعانه و سرنوشت ساز فرارسیده است، تاریخ ما را به آزمون بزرگ تعیین سرنوشت خویش و رها سازی کشور از چنگال هیولای فقر، فساد، فحشاء، اعتیاد، افسردگی، پأس و ناامیدی، سازش و التماس به بیگانگان، فرا می‌خواند. به فراخوان تاریخ پاسخ شایسته باید داد. برای پایان دادن به وضعیت اسفناک کشور و متوقف کردن چرخه باز تولید فقر، سرکوب و فریب، باید، شرکت در انتخابات فرمایشی و نمایشی را تحریم کرده و در عین حال از تسلیم شدن به قضا و قدر و امید بستن به چاره جویی‌های دیگران جداً پرهیز نمود و با تحریم انتخابات و مشارکت فعال در گذار مسالمت آمیز از طریق همه پرسی به نظام دمکراتیک رسید. باید انتخابات را با مشارکت فعال خود به رفراندوم تبدیل کنیم. سرمایه بزرگ ما در این حرکت ملی، پرچمداری جوانان و همراهی فعال و امیدوار همه آزادیخواهان و شیفتگان توسعه پایدار ایران می‌باشد. با آرزوی آزادی ایران عباس امیرانتظام اسفند ۱۳۸۳

گزارش سال ۸۳ قانون مدافعان حقوق بشر

در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

قانون مدافعان حقوق بشر وضعیت حقوق بشر در سال ۸۳ را بشرح زیر اعلام می دارد:

این گزارش در دو قسمت نقض حقوق بشر در ایران و سایر کشورهای جهان مورد بررسی قرار می گیرد.



الف - نقض حقوق بشر در ایران = بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران در دو بخش نقض حقوق

بشر در زمینه حقوق سیاسی و مدنی و نقض حقوق بشر در زمینه های حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و ... مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۱- نقض حقوق بشر در زمینه حقوق سیاسی و مدنی

روند تعقیب و بازداشت روزنامه نگاران، شخصیت‌های سیاسی، فعالان حقوق بشر و سایر نهادهای غیر دولتی و بلاگ نویسها نه تنها متوقف نگردد بلکه تشدید شد. و این در حالی است که در مورد وبلاگ نویسها اصولاً قانون جزائی مدونی جهت پیگیری جرایم اینترنتی وجود نداشته و قوه قضائیه پس از دستگیری وبلاگ نویسها بفرکر تدوین مقررات جزائی در مورد متهمان اینترنتی افتاد. تعقیب و محاکمه و مجازات متهمان سیاسی در محاکم غیر صالح قضایی بعمل آمده و صرفنظر از آنکه روند تعقیب و احضار و بازداشت و تحقیقات مقدماتی منطبق با موازین قانونی نبوده، در ماهیت نیز مجازاتهای حبس و تبعیدهای سنگین در سراسر ایران در سال ۸۳ در دستور کار قوه قضائیه قرار گرفت. با آنکه بموجب اصول ۱۵۹ و ۱۷۲ قانون اساسی مراجع صالح قضایی تعیین گردیده، لذا دادگاههای انقلاب و دادرسا و دادگاههای ویژه روحانیت فاقد محمل و توجیه قانونی هستند با این وجود بنحو روشمند در ارتباط با حقوق سیاسی مردم، مراجع فوق باتفاق مراجع صالح دیگر به نقض مکرر حقوق بشر ادامه می دهند، روند تعقیب و نقض حقوق شکلی و ماهوی در زمینه سیاسی و مدنی بشرح زیر می باشد:

۱-۲- دادگاههای انقلاب و دادرسا و دادگاه ویژه روحانیت طبق اصول قانون اساسی غیر قانونی محسوب شده و حق تعقیب و مجازات هیچ کس را ندارند.

بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی و تبصره ذیل ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ اصلاحی ۸۱ مرجع انحصاری و اختصاصی رسیدگی به جرایم متهمان سیاسی و مطبوعاتی دادگاه کیفری استان بوده که با حضور هیأت منصفه بجرایم سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی می نماید که اولاً در جرایم سیاسی حتی به عنوان نمونه یک متهم سیاسی هنوز در این مرجع صالح مورد محاکمه قرار نگرفته. ثانیاً در جرایم مطبوعاتی علیرغم قانون هیأت منصفه مصوب مجلس ششم حتی یکبار از این هیأت منصفه قانونی استفاده نشده مع الاسف با توافق قوه قضائیه و قوه مقننه در مجلس هفتم اجرای این قانون نسبتاً معتدل بمدت یکسال متوقف گردید. ثالثاً بعد از انقلاب هیأت‌های منصفه مطبوعاتی که در دادگاهها انجام وظیفه نموده اند عموماً از مسئولین حکومتی بوده بطوریکه نحوه ترکیب این تشکل برخلاف فلسفه و ذات هیأت منصفه و مغایر با ماده ۳۱ قانون مطبوعات مصوب ۵۸ بوده که به لحاظ رعایت موازین حقوقی تنها قانون حاکم بر محاکمات مطبوعاتی میباشد، این امر خلاف تاجایی پیش میرفت که در محاکمات مطبوعاتی صرفنظر از دیگر عمال حکومتی، همیشه دو تا سه قاضی در هیأت منصفه حضور داشتند، لذا کلیه محاکمات مطبوعاتی که در سالهای اخیر در حضور هیأت منصفه فوق انجام پذیرفته از ایرادات شکلی و ماهوی متعدد برخوردار بوده است.

روند تعقیب و بازداشت، روزنامه نگاران، شهنشیت‌های سیاسی، فعالان حقوق بشر و سایر نهادهای غیر دولتی و بلاگ نویسها نه تنها متوقف نگردد بلکه تشدید شد

۱-۳- نظر به عدم تعریف جرم سیاسی به لحاظ اصل قانونی بودن جرم و مجازات که بموجب اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی به رسمیت شناخته شده و نظر به اصل تفسیر به نفع متهم و استفاده از تفسیر مضیق نمی توان متهمان سیاسی را تحت تعقیب، مجازات و محاکمه قرار داد، این امر با عدالت نیز انطباق ندارد چه نمیتوان تاوان قصور و کوتاهی حکومت را به مردم تحمیل نمود، لذا باید قوه قضائیه تا تعریف جرم سیاسی از تعقیب متهمان سیاسی خودداری نموده و یا با کمی اغماض نظریه اینکه ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی دکترین حقوقی یعنی نظریه علمای حقوق را از منابع علم حقوق شناخته، و علمای حقوق، جرم

قبولی وثیقه حتی برای یکساعت از مصادیق توقیف غیر قانونی می‌باشد) و تفتیش عقیده در تحقیقات و اجبار متهمین به پاسخ به سئوالات تلقینی و اکراه آمیز و دخالت قضات دادسرا در مسایلی که هیچ ارتباطی با جرایم اعلامی نداشته و توقیف اموال متهمین حتی اشخاص ثالث که ارتباطی با آلات و ادوات جرم نداشته و تهدیدهای مکرر و قرارهای غیر قانونی بازداشت و موارد عدم رعایت تکالیف قانونی در خصوص صدور قرار ابقاء یا فک قرار و عدم توجه به اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عدم توجه به تفسیر مضیق و تفسیر بفتح متهم و تحت فشار قرار دادن خانواده های آنان و جلوگیری از ورود وکیل در جرایم سیاسی و مطبوعاتی علیرغم نسخ ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن بموجب بند ۳ ماده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی که حضور وکیل در دادسراها و محاکم جزائی، الزامی گردیده که موارد و مصادیق آن در سال ۸۳ در سراسر ایران بسیار بوده و به ذکر چند نمونه به آن بسنده می‌گردد. پرونده وبلاگ نویسا، محکومیت بیش از ۱۷۰ نفر در دادگاه انقلاب اهواز که در حوادث ایذه دستگیر و به حبس و تبعیدهای بسیار سنگین محکوم شده اند - توقیف روزنامه های جمهوری و وقایع اتفاقیه و توقیف چند روزه، روزنامه شرق و تأیید دستور خلاف قانون دادستان انقلاب وقت تنکابن به مصادره اموال فردی بهایی (ابوالقاسم کردیان) با کلیه اقارب و بستگانش و ممنوع معامله شدن آنها، صدور حکم مجدد علیه آقای هاشم آقاچری، اعتراضات مطروحه در جریان رسیدگی به پرونده قتل خانم زهرا کاظمی و محکومیت آقای مجید لطفی روحانی دگراندیش مقیم قم و محکومیت آقای آرش سیگارچی به ۱۴ سال حبس و محکومیت آقای حشمت الله طبرزدی و محاکمات سفر که به مناسبت روز جهانی کارگر شرکت کنندگان دستگیر و تحت محاکمه قرار گرفته و محکومیت تعدادی از دانشجویان و تعقیب و محاکمه انصافعلی هدايت و محرومیت وی از بعضی از حقوق در هنگام اجرای حکم و فشار و تهدید به بازداشت برای اجبار به پوشش مخصوص و اعمال فشار برارباب هنر و فرهنگ و مطبوعات از طرف دادسرای تهران و تهیه پیش نویس قانون وکالت از طرف قوه قضائیه بمنظور محو و نابودی استقلال کانونهای وکلای دادگستری از موارد مهم نقض حقوق سیاسی و مدنی مردم توسط قوه قضائیه می باشد. اما سایر حقوق سیاسی مردم از جمله آزادی بیان و حق تجمع و راهپیمایی (درخواست تجمع جهت اعتراض به صدور حکم اعدام برای افراد کمتر از ۱۸

سیاسی را تعریف نموده اند، لذا متهمان سیاسی را باید با حضور هیأت منصفه قانونی و منتخب مردم صرفاً در دادگاه کیفری استان تحت تعقیب و محاکمه قرار داد هرعملی مغایر نظر فوق فاقد وجاهت قانونی می باشد.

۴-۱- با آنکه قانونی بودن جرم و مجازات بموجب اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی به رسمیت شناخته شده معهداً بعضی از قضات دادسرا با خلق واژگان غیر قانونی اقدام به تعقیب و توقیف متهمان سیاسی و مطبوعاتی نموده اند. خلق اصطلاحاتی مانند سیاه نمایی، تشویش اذهان عمومی، سیاه نمایی دینی، براندازی و همچنین سوء استفاده از قانون یا به شیوه های شبه قانونی، مانند آنکه تمام متهمان سالهای اخیر تحت عناوین اقدام علیه امنیت ملی، توهین به مقامات و ارگانهای حکومتی و توهین به شئون دینی ... تحت تعقیب قرار گرفته که با بررسی مجموع مقالات و سخنرانیهای متهمین روشن می گردد که اولاً عموم اظهار نظر ها در مقام نقد، بیان گردیده ثانیاً متهمین فاقد سوء نیت مجرمانه بوده اند.

۵-۱- در روند تعقیب متهمان سیاسی با آنکه قانون آئین دادرسی کیفری از قوانین آمره بوده و هیچ قاضی حق تخلف و یا اتخاذ تصمیم مغایر آن را ندارد و نیز با وجود تصویب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳ تعقیب و توقیف متهمان سیاسی و مطبوعاتی از شروع احضار و جلب و تفتیش اماکن و توقیف اموال و اسناد و مدارک شخصی متهمان - و ممنوعیت قضات از ورود به اموال و احوال شخصی متهمان و مسایل اخلاقی آنها، و منع نگهداری در اماکن نامعلوم، و منع هرگونه ایذاء و آزار و اذیت و استخفاف و منع بازجویان و مأمورین تحقیق از گذاشتن چشم بند به چشم متهمان و اخذ توبه نامه از بعضی از متهمین و پخش و انتشار آن در وسایل ارتباط جمعی و نگهداری بعضی از متهمان سیاسی و مطبوعاتی در سلول انفرادی و یانگهداری آنان در کنار متهمان عادی خطرناک، و صدور قرار بازداشت موقت که شدیدترین قرار تأمین بوده برای متهمان فوق، و صدور قرار تأمین نامتناسب برای متهمین سیاسی و مطبوعاتی و عدم آزادی بعضی از آنان بعد از صدور قرار قبولی وثیقه (آقایان علیجانی، صابر ورحمانی بعد از صدور قرار قبولی وثیقه از آزادی آنها جلوگیری بعمل آمده با آنکه برخلاف اظهارات مقامات قضایی هیچ حکم قطعی در مورد آنها ابلاغ نشده و یا صدور قرار قبولی وثیقه در تاریخ ۸۳/۹/۱۵ برای خانم فرشته قاضی و آزادی او در تاریخ ۸۳/۹/۱۷ که نگهداری بعد از صدور قرار

اعدامی متوقف می‌گردد کانون بر مبنای فکری و عقیدتی خود از آن استقبال می‌نماید. با استناد اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی و مواد ۱ و ۲ و ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر هرگونه تبعیض بر مبنای فرهنگ، عقیده، جنس، نژاد، زبان از نظر سیاسی یا هر نظر دیگر مردود و غیر قانونی بوده، با این وجود با تصویب قوانین تبعیض آمیز و همچنین عملکرد تبعیض آمیز مسئولین در برخورد با تبعیض جنسیتی، قومی، دینی، فکری موارد بسیاری مشهود بوده که باید اولاً با الغاء قوانین تبعیض آمیز از هر جهت و مسئولین نیز با کنار گذاشتن هرگونه مشی تبعیض آمیز موجب تضييع حقوق اقليتهای فوق نگردد، الغاء و تغيير قوانین تبعیض آمیز جنسیتی در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی باید با دقت و فوریت انجام پذیرد، گرچه بازنگری و تغییر کلیه قوانین اعم از مدنی و جزائی و آیین دادرسی کیفری و ... بر مبنای قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر بادی کارشناسانه و حذف قوانین مغایر قانون اساسی و اعلامیه مذکور باید مورد نظر قرار گرفته، اما حذف مواد بشدت تبعیض آمیز باید در اولویت قرار گیرد.

**اظهار نظرهای اساتید اقتصادی هاکی از
افتلاف شدید اقتصادی در بین طبقات
ضعیف مردم ایران داشته، این اظهار نظرها
کلیت از آن دارد که بیش از ۸۰٪ از مردم
ایران در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.**

۱- نقض حقوق بشر در زمینه حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و ...

اخراج آقای محمد شریف از دانشگاه آزاد بمنظور جلوگیری از آزادی بیان و اعلام موضوع بعنوان یک عمل اداری عادی و حال آنکه این اخراج با اصل ۱۴۱ قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایر بوده است. در ارتباط با حقوق زن و کودک در سال ۸۳ هیچ پیشرفت ملموس یا اجرایی صورت نگرفت، علیرغم وجود قانون، مسئولین مربوطه از ساماندهی زنان و کودکان بی سرپرست و متکدیان و معتادان و از کارافتادگان از خیابانهای تهران خودداری نموده تاجائیکه بیش از ۵۰ نفر برطبق آمار رسمی در هوای بسیار سرد پائیزی جان سپردند، بعد از بروز این فاجعه انسانی بعضی از ارگانها ب فکر تهیه و ساخت سرپناه برای پناه جویان فوق برآمده و تا حدودی از عمیق تر شدن فاجعه جلوگیری نمودند. عموماً مسئولین ظاهراً هیچ طرح آینده نگر جهت مقابله با حوادث و سوانح طبیعی و ... نداشته و این تجربه تلخ بطور مکرر در حالت

سال که از ناحیه خانم شیرین عبادی مطرح گردیده بود پس از یکماه بلا تکلیفی با آن مخالفت گردید (و ایجاد تشکل نیز با موانع جدی در قوه مجریه روبرو بوده، با آنکه اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق را به رسمیت شناخته، اما وزارت کشور از صدور هر گونه مجوز جهت راهپیمایی خودداری (جواز فعالیت کانون مدافعان حقوق بشر برخلاف موازین قانونی هنوز صادر و تسلیم نگردیده است) و نیروهای انتظامی نیز علیرغم قانونی بودن هر تجمع بشدت با آن مقابله کرده و قوه قضائیه نیز بفوریت افراد را دستگیر و تحت تعقیب و محاکمه و مجازات غیر عادلانه قرار می دهد و ممانعت از تشکیل مجمع عمومی کانون نویسندگان و حذف قانون عدالت جنسیتی توسط مجلس هفتم و نیز شورای نگهبان در هر انتخاباتی بر خلاف اصول ۶۲ و ۹۹ قانون اساسی و بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر با تحمیل نظارت غیر قانونی استصوابی حق انتخاب آزاد در نقش کاندیدای مورد نظر را از مردم سلب نموده، مشخصات انتخابات قانونی، آزاد، سالم، ادواری، مستقیم رقابتی، بوده که شورای نگهبان با اعمال نظر استصوابی مانع حصول این امر میباشد عدم توجه مسئولین به مسایل و مشکلات قومیتها نظیر کردها، ترکها، عربها این مناطق را حساس می نماید. طبق گزارشات واصله دادرسی عمومی و انقلاب تهران مبادرت به ممنوع الخروج نمودن تعدادی از فعالان حقوق بشری، سازمانهای غیر دولتی، حقوقدانان، روزنامه نگاران، و رجال سیاسی و فرهنگی نموده این امر مغایر با اصول ۳۷، ۳۶، ۲۳، ۲۲ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، و ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۳ اعلامیه مذکور بوده و با استناد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی عملی است مجرمانه که اولاً ریاست قوه قضائیه باید از ادامه تضييع حقوق این شهروندان بارفع ممنوعیت خروج افراد مذکور جلوگیری نموده ثانیاً روند توسعه قضایی مورد نظر قوه قضائیه وقتی محقق می گردد که ناقضین حقوق بشر و قانون اساسی از دستگاه قضایی طرد و بوسیله محاکم صالح قضایی تحت تعقیب و محاکمه و مجازات قرار گیرند. علیرغم نقض فاحش و مکرر حقوق سیاسی مردم، دستور توقف اعدام هواپیماربایان که دو نفر از آنان در هنگام ارتکاب بزه کمتر از ۱۸ سال تمام داشته و جلوگیری از اجرای حکم رجم، از موارد پیشرفت در دستگاه قضایی می باشد، گرچه بدون اصلاح ساختاری و عمیق در دستگاه قضایی و الغاء قوانین مغایر اعلامیه جهانی حقوق بشر و تصویب قوانین منطبق بر اعلامیه فوق، اصلاح اساسی محسوب نمی گردد، اما همینکه

مسافرت دختران جوان به کشورهای فوق جهت کسب درآمد نامشروع ناشی از فحشاء از بلایای فقر یا زیاده طلبی جای هیچ انکاری باقی نمی گذارد. مسئولین نیز نمی توانند با پاک نمودن صورت مسئله این بیماری جامعه را درمان بخشند. اعتیاد به مواد مخدر و فحشاء ظاهراً به قشر فرهیخته جامعه یعنی دانشجویان نیز سرایت نموده است. آمار تصادفات منجر به جرح و قتل و عوامل مؤثر در آن از جمله جاده های غیر ایمن و بدون روشنایی که بیش از ۹۰٪ جاده های ایران را تشکیل می دهد و همچنین تولید خودروهای غیر استاندارد و عدم نظارت بر اجرای صحیح قوانین توسط مأمورین و سهل انگاری در دادن گواهینامه به افرادی که فاقد فرهنگ رانندگی بوده و یا نسبت به آن آشنایی نداشته و خودداری از کار فرهنگی گسترده و عمیق و طولانی در این امر همه از عوامل مؤثر در ایجاد تصادفهایی که منجر به فوت و جرح و خسارت بوده، که ایران از لحاظ میزان تصادفات بر طبق آمار منتشره رتبه نخستین را کسب کرده است!!!! در این امر وقتی مسئولیت حکومت در وقوع حوادث رانندگی (جاده های غیر ایمن و غیر استاندارد، عدم وجود نور کافی، فقدان امکانات پزشکی جاده های برون یا درون شهری) مورد توجه قرار نمی گیرد تأسف بار تر بوده و عمق فاجعه را شدیدتر می نماید. آلودگی هوا در کلان شهرها نیز بر طبق اظهار نظر کارشناسان موجب مرگ و بیماری بسیار شده و مسئولین ناتوان از برنامه ریزی صحیح در جهت کاهش این آلودگی ها می باشند.

احداث برج جهان نما در حریم میدان نقش جهان که احتمال حذف این میراث منحصر به فرد فرهنگی را از فهرست آثار تحت حمایت یونسکو طرح نموده، از لطماتی است که میراث فرهنگی کشور را هدف قرار داده است.

تخریب جنگلها و مراتع با اهداف کسب منافع شخصی و یا ساختمان و یا بهر منظور دیگری که باشد هیچ توجیه قانونی و شرعی و عرفی نداشته، و با ادامه روند تخریب این منابع خدادادی نابود میگردد، آلودگی هوا در سراسر ایران به مرز بحران نزدیک می شود. رشد و افزایش بیماری ایدز که در زندانها بصورت بحران غیر قابل مهار درآمده بسیار نگران کننده بوده، مسئولین حکومتی با پاک کردن صورت مسئله فکر می کنند می تواند این بحران را نادیده گرفت، و حال آنکه باید با آموزشهای صحیح و منطقی و علمی ابتدا مردم را با این خطر مرگ آفرین آشنا و در همین حال به یاری این ستمدیدگان شتافت و از طرد و نفی و تحقیر آنها خودداری کرده و این فرهنگ را در جامعه محقق سازیم و همچنین

وقوع و تکرار می باشد. حادثه غم انگیز و تأسف بار آتش سوزی در مدرسه سپیدان و کشته شدن جمعی از دانش آموزان و آتش سوزی تأسف بار مسجد ارک و کشته و زخمی شدن دهها نفرو فاجعه غمبار زلزله زرنند که بعد از این وقایع هولناک مسئولین ب فکر ایمن سازی سایر مساجد و اماکن و منازل افتاده، حادثه غم انگیز تصادف قطار در نیشاپور و انفجار مهیب و کشتار مردم بیگناه، بعد از مدتی سر و صدا و بگیر و ببند به فراموشی سپرده شد، اما باز هم مسئولین، در فکر اصلاح ساختاری در هیچ زمینه ای نیستند اظهار نظرهای اساتید اقتصادی حاکی از اختلاف شدید اقتصادی در بین طبقات ضعیف مردم ایران داشته، این اظهار نظرها حکایت از آن دارد که بیش از ۸۰٪ از مردم ایران در زیر خط فقر زندگی می کنند.

صدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال تمام همپیمان ارامه داشته، که قوه قضائیه باید با احترام به میثاقهای بین المللی از این امر فاجعه بار جلوگیری نماید و نیز فبر اعدام دختر نوجوان (ظاهراً ۱۶ ساله) که بپریم زنا در مالیکه از سلامت کامل روانی برخوردار نبوده نقض آشکار اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی و کنوانسیون بین المللی حقوق کودک بوده لذا قانون بشرت آن را مملوک مینماید.

و تورم رو به رشد به عدد دو رقمی رسیده و در منطقه مقام اول را دارا می باشد!! روند رو به رشد اعتیاد به مواد مخدر و الکلی و نشاط آور و رواج فحشاء و ازدیاد آمار طلاق، و کودک آزاری و ازدیاد خشونت اجتماعی و خانوادگی و جنایت پاکدشت که بقول صاحب نظران (به خودی خود محکوم نبوده چه آنکه مسئولین ماهم باید مورد سؤال قرار گیرند که هیچ کوششی جهت حذف عوامل خشونت زا نکرده اند) و افزایش جرایم مالی و رواج فروش کلیه، مخصوصاً توسط جوانان که ریشه اصلی آنها فقر شدید بوده، صاحب نظران اجتماعی و روانشناسان را نگران نموده تا جائیکه سن اعتیاد به این بلایای خانمانسوز پائین آمده و مشاهده گردیده که اطفال حدود ۱۲ سال مبتلا به آنها شده اند. رخداد صدور دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس با آنکه از طرف مقامات رسمی تکذیب گردیده اما واقعیت تکان دهنده با صدور یا اعزام و یا

کانون مدافعان حقوق بشر به نیک اندیشان قوه قضائیه هشدار می دهد جلوی این روند خطرناک و نابودکننده را بگیرند قوه قضائیه نیز باید پیش نویس قانون فوق را که هیچ ارتباطی باو ندارد از دستور خارج کند و کنار بگذارد.

۵- قوه مقننه باید با قصد بهینه سازی قوانین، کلیه قوانین موضوعه را در راستای قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر تغییر دهد و زمینه های هرگونه تبعیض نسبت به زبان، عقیده، ایمان، فکر، قوم و رنگ و ... از میان برداشته و در جهت رشد و اعتلاء و کرامت انسانی گامهای مؤثر بردارد.

**مآلکات سیاسی و مطبوعاتی انجام شده فاقد
مقتضات کامل دادرسی منصفانه بوده و لذا قوه
قضائیه بایر متهمان سیاسی و مطبوعاتی را آزاد
نموده و ...**

دولت باید با سعه صدر به متقاضیان راهپیمایی و تجمع و تشکیل سازمانهای غیر دولتی برخورد نموده و ضمن دادن مجوزهای لازم از نیروهای انتظامی بخواهد که امنیت آنان را تضمین نماید، همچنین با حذف نظارت استصوابی راه دخالت مردم در سرنوشت کشورشان باز و فراهم گردد. دولت باید با سرمایه گذاری عظیم و گسترده در راه مبارزه به روند تخریب جنگلها و مراتع، بهبود ترافیک، مهار آلودگی هوا در وضعیتی که روزانه ۱۴۰۰ خودرو به آمار خودروها اضافه می گردد، مبارزه با ایدز، ایمن سازی جاده ها، ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به کلان شهرها و حاشیه آنها، مبارزه با فقر و بیکاری، مبارزه با بیماریهای خطرناک نظیر ایدز و ..، مهار و محو خشونت در جامعه، ساماندهی اساسی و بنیادین کودکان خیابانی و افراد بی سرپرست، مهار خشونت های خانوادگی و مبارزه با آزار و اذیت های جنسی کودکان و زنان، مبارزه عمیق و همه جانبه با اعتیاد و فقر و فحشاء و ... نسبت به اعتلاء و رشد کرامت انسانی کوشا باشد. البته این امر بدون بسیج مردم و کمک سازمانهای غیر حکومتی امکان پذیر نبوده، لذا باید حکومت بدواً مقدمات ورود مردم و سازمانهای غیر حکومتی را در حاکمیت فراهم نموده و با ایجاد وفاق ملی و از بین بردن فاصله میان مردم و حکومت نسبت به مهار بحرانها و بیماریهای فوق اقدام نمائیم، تجربه حوادث انقلاب و اخیراً حذف نام خلیج فارس که ملت و حکومت در کنار هم قرار گرفتند باید همیشه سرمشق ما بوده و فراموش نکنیم که در حکومت محور قدرت، مردم هستند. کانون مدافعان حقوق بشر

به روند افزایش آمار بیکاری و ترک تحصیل کودکان خردسال جهت کمک به اقتصاد خانواده بسیار نگران کننده میباشد. صدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال تمام همچنان ادامه داشته، که قوه قضائیه باید با احترام به میثاقهای بین المللی از این امر فاجعه بار جلوگیری نماید و نیز خبر اعدام دختر نوجوان (ظاهراً ۱۶ ساله) که بجرم زنا در حالیکه از سلامت کامل روانی برخوردار نبوده نقض آشکار اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی و کنوانسیون بین المللی حقوق کودک بوده لذا کانون بشدت آن را محکوم مینماید. بهرحال مراتب فوق نه تنها در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح و مورد توجه قرار گرفته بلکه در قانون اساسی و بسیاری از قوانین موضوعه به آن تصریح شده اما از اجرای آنها و بهبود اوضاع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، عمرانی، و ... آثار مؤثری، مشهود نیست.

پیشنهادات:

۱- قوه قضائیه باید بدون درنگ دست به اصلاح عمیق و ساختاری این قوه زده و قانون شکنان را از این قوه مهم رانده و تعقیب و مجازات نماید.

۲- نظر به اینکه برطبق موازین فوق عموماً محاکمات سیاسی و مطبوعاتی انجام شده فاقد مختصات کامل دادرسی منصفانه بوده و لذا قوه قضائیه باید متهمان سیاسی و مطبوعاتی را آزاد نموده و در صدد جبران خسارات به این ستمدیدگان قانونی برآمده و آثار محکومیت های فوق را منتفی سازد.

۳- اکنون که به موجب بند ۳ ماده واحده قانون احترام به حقوق شهروندی، ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن نسخ و حضور وکیل در کلیه مراحل تحقیقات در دادرسیها و دادگاهها الزامی گشته، قوه قضائیه از قضات بخواهد که از جلوگیری از ورود وکیل به پرونده خودداری نموده، و این نظارت قانونی را پذیرا باشند چه آنکه اگر از ابتدای تحقیقات از ورود وکیل در پرونده های مختلف جلوگیری نمی گردید، فاجعه شکنجه متهمان به قتل های زنجیره ای فاجعه قتل زهرا کاظمی و حوادث تأسف بار ویلاگ نویسها اتفاق نمی افتاد. علاوه بر نظارت وکیل، قوه قضائیه باید نظارت سازمانهای غیر وابسته و مستقل حقوق بشری را بر قوه قضائیه و زندانها پذیرا بوده، این امر می تواند از روند تخدیش استقلال قوه قضائیه جلوگیری نماید.

۴- اخیراً بخشی از قوه قضائیه به بهانه تصویب قانون وکالت کامل و جامع و!!! و از طریق تهیه پیش نویس این قانون قصد دارند استقلال کانونهای وکلای دادگستری را نابود سازند.

میتینگ‌های خود را در فضای باز، میدین و پارک‌ها آغاز و در آن همه لباس سفید و روشن برتن کنیم و خشونت را نفی و بر انتخابات آزاد تاکید کنیم.

ما چون پذیرفتیم با گوریل (سید علی خامنه) شطرنج بازی کنیم، در بسیاری جاها پوست از سرما کنند و ما در حفظ حرمت قانون چیزی نگفتیم و حتی لبفند زدیم اما قافیه را بافتیم و مردم به ویژه دانشجویان اصلی‌ترین قربانیان خشونت را از صحنه سیاست فراری و حتی در مقابل خودمان قرار دادیم.

اگر در روز انتخابات، ازادانه به هر نامزدی که خواستیم رای دادیم، باز در صحنه خواهیم ماند، سفید خواهیم پوشید، پرچم سفید در دست خواهیم گرفت و این بار فریاد خواهیم زد "رئیس جمهور و تدارکاتچی نمی‌خواهیم" و اگر نامزدهای ما را رد صلاحیت کردند، باز ۲۷ خرداد با جامه ای روشن و پرچمی سفید در دست و اگر اجماعی صورت گرفت، با برگ رای سفیدی در صندوق به خشونت طلبان "نه" خواهیم گفت، این رای پیام مردم ایران خواهد بود که در یک رفراندوم خودجوش اعلام می‌کنند که رئیس جمهوری معرفی شده نماینده آنان نیست، بلکه راه یافته ای است به کاخ ریاست جمهوری.

نقش سازمان مجاهدین در نقشه حمله آمریکا به ایران



... نقشه حمله نظامی آمریکا به ایران آماده است. در این نقشه گروهی از جنگجویان نقش مهمی را ایفاء می‌کنند: جنگجویان سازمان مجاهدین خلق ایران که دشمنان خونی ملایان می‌باشند.

مجاهدین اگرچه هم از نظر آمریکا و هم در نظر اروپا یک دسته تروریست و هم‌تراز با القاعده به حساب می‌آید، ولی امروزه با آمریکا همکاری مخفیانه دارد.

ما پذیرفتیم با گوریل (سید علی خامنه ای) شطرنج بازی کنیم



عیسی سحرخیز در نشست نفی خشونت سخنان خود را با یاد زندانیان سیاسی و مطبوعاتی به ویژه آرش سیگارچی، حسین قاضیان، هدی صابر، تقی رحمانی، رضا علیجانی و مخصوصا اکبر

گنجی آغاز کرد و گنجی را در این بین قربانی کنیه جویی‌ها معرفی کرد و گفت: نمی‌دانم چرا خاتمی و آیت‌الله شاهرودی (عراقی) ساکت نشستند و اقدامی انجام نمی‌دهند و جلوی این بی‌قانونی‌ها و برخوردهای غیرانسانی و غیراخلاقی را نمی‌گیرند.

وی با اشاره به ایام مرخصی برخی زندانیان در طول دوران عزاداری محرم و صفر و در بیان علت آن مدعی شد؛ در پس پرده می‌گویند چرا اکبرگنجی خانم شیرین عبادی را به عنوان وکیل خود انتخاب کرده است؟

ما چون پذیرفتیم با گوریل (سید علی خامنه ای) شطرنج بازی کنیم، در بسیاری جاها پوست از سرما کنند و ما در حفظ حرمت قانون چیزی نگفتیم و حتی لیخند زدیم اما قافیه را باختیم و مردم به ویژه دانشجویان اصلی‌ترین قربانیان خشونت را از صحنه سیاست فراری و حتی در مقابل خودمان قرار دادیم.

سحرخیز با یادآوری وقایعی چون کوی دانشگاه، ترور حجاریان، ۱۸ تیر، حمله به خوابگاه‌های دانشجویی و دستگیری‌های گسترده فعالان دانشجویی، سیاسی و مطبوعاتی، تصریح کرد. باید هرگونه خشونت را نفی کرد و خواستار فراگیری شعار "زنده باد دشمن من" شد. ما نمی‌پذیریم که در یک انتخابات فرمایشی و غیرآزاد، نظامیان شخصی پوش، طرفداران جنگ و خشونت بر این سرزمین حاکم شوند و در افق حیات ما همواره جنگ و خشونت دیده شود در شرایط کنونی برای جبهه دموکراسی خواهی به منشور وحدت ملی نیاز داریم، منشوری که مردم سالاری، جمهوریت، حقوق بشر و عدالت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی را سرلوحه برنامه خود قرار دهد. باید تمام ایرانیان دموکرات آزادی خواه و اصلاح طلب که کنوانسیون حقوق بشر را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده اند، جنبش اصلاح طلبی را در چارچوب این منشور به پیش ببرند. اگر مردم از انتخابات قهر کنند، ژنرال‌های داخلی و خارجی آینده ایران را ترسیم خواهند کرد.

وی با امیدواری نسبت به روزی که تمام انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به دور از تحمیل نظارت استصوابی وارد جریان انتخابات شوند، ادامه داد: باید در جهت این هدف گردهمایی‌ها و

<http://www.wdr.de/tv/monitor/beitrag.phtml?bid=660&sid=124>

طرح اصلاحات در سازمان ملل متحد

کوفي عنان دبیر کل سازمان ملل یک روز قبل از برگزاری مجمع عمومی این سازمان از همه کشورهای عضو خواست تا از رفرمهای همه جانبه برای بهبود وضعیت سازمان ملل که بزودی شصت سال از تاسیس آن میگذرد،



پشتیبانی نمایند. دبیر کل سازمان ملل پیشنهاد های خود را که در یک کاتالوگ شصت و سه صفحه ای تدوین نموده فردا در جمع نمایندگان کشورهای جهان تشریح خواهد کرد. این پیشنهادات از عملیات پیشگیرانه نظامی بر علیه رژیم های ضد مردمی گرفته تا به مجازات رساندن سربازان حافظ صلح که در محل کشور مورد استقرارشان مرتکب خلاف های جنسی میشوند را شامل میشود. در حالی که آلمان و تقریباً همه اعضای اتحادیه اروپا از رفرم های دبیر کل سازمان ملل پشتیبانی میکنند، دولت ایالات متحده آمریکا به یکی از مخالفان این سازمان تبدیل شده است. سازمان ملل پس از عدم تأیید جنگ عراق در دو سال پیش از سوی دولت آمریکا با انتقاد روبرو شد و محافل نئولیبرال این کشور خواستار استعفای دبیر کل سازمان ملل و قطع پرداخت حق عضویت آمریکا حتی اخراج این سازمان از آمریکا شدند. علاوه بر این، دولت آمریکا در مورد تشکیل دادگاه جزای بین المللی در لاهه و برای پیگیری جنایت علیه بشریت، تهدید به بلوکه کردن هر قطعه ای که حتی نام این دادگاه در آن آورده شود نمود. اما یکی از موضوعات محوری رفرم های پیشنهادی کوفي عنان، همانا مسئله افزودن بر تعداد اعضای شورای امنیت این سازمان است. هفته گذشته کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا برای نخستین بار در مورد شورای امنیت موضع گیری کرد و گفت که ژاپن سزاوار برخورداری از یک کرسی دائمی در شورای امنیت

این سازمان شانس نوسازی داده شود و هیچ دولتی هر چقدر هم که قوی باشد نمیتواند از خود دفاع نماید. وی بار دیگر بر لزوم مبارزه مشترک علیه تروریسم و جهانی عاری از سلاح های هسته ای تأکید داشت. با این حال دبیر کل سازمان ملل از همه کشورها خواست تا در نشست اجلاس عالی این سازمان که در ماه سپتامبر آینده برگزار میشود بر سر حل بزرگترین مسائل این سازمان به توافق برسند.

یک مأمور سابق سازمان سی آی ا بنام مگ گاون می گوید: دلیل اینکه آمریکا با سازمانی همچون مجاهدین همکاری می کند اینست که آنها در منطقه حضور دارند و حاضراند در خدمت ما وارد عملیات شوند. آنها سابقاً در نظر ما تروریست بودند ولی حال دیگر چنین نیست. زیرا که اکنون آنها تروریست های ما هستند و ما درنگی نخواهیم داشت که آنها را به مأموریت بفرستیم.

آمریکا آنها را از مرز به داخل ایران می فرستد تا که عملیات معمولی جاسوسی را انجام دهند، وسائل شنود کارگذاری کنند تا ما بتوانیم برنامه اتمی ایران را مورد مراقبت قرار دهیم، اهداف بمباران هوایی را شناسایی می کنند و دست آخر اینکه کمپ های مخفی ایجاد کرده و بتوانند نقل و انتقالات نیروهای ایران را تحت نظر قرار دهند و اندکی هم به خرابکاری بپردازند.

یک مأمور سابق سازمان سی آی ا بنام مگ گاون می گوید: دلیل اینکه آمریکا با سازمانی همچون مجاهدین همکاری می کند اینست که آنها در منطقه حضور دارند و حاضراند در خدمت ما وارد عملیات شوند.

خانم کارین کویاتکفسکی که سابقاً مستخدم وزارت جنگ آمریکا بوده است، می گوید: مجاهدین حاضراند کارهایی را انجام دهند که ما خودمان از آنها شرم داریم و حاضر نخواهیم بود در باره آنها سخنی به میان آوریم و درست برای همین گونه کارها از مجاهدین استفاده می کنیم. به هنگامیکه آمریکا وارد خاک عراق شد، مجاهدین در ۱۰۰ کیلومتری شمال بغداد مرکزی داشتند. ولی آنها از آنجا ابداً تیراندازی به سوی ما نکردند. مجاهدین دقیقاً مواظب این امر بودند و بدون انجام کوچکترین مقاومتی تسلیم قوای آمریکا شدند. آمریکائی ها نیز تسلیحات سنگین آنها را گرفته و فقط اسلحه های سبک را که برای دفاع از خودشان بود، برایشان بجا گذاشتند.

یک شرکت ارتشی خصوصی بنام گلوبال آپشنز که متخصص تعلیمات ویژه نظامی می باشد، مربیان ورزیده ای را به دستور پنتاگون در اختیار مجاهدین قرار داده است. یکی از گویندگان این شرکت بنام نیل لئونیک استونگ تروریست بودن مجاهدین را قبول نداشته و می گوید ما با آنها همکاریهای خوبی داریم. ...

مترجم: حمید بهشتی

نقل از برنامه مونیتر از فرستنده اول تلویزیون رسمی آلمان ۳ فوریه ۲۰۰۵

مهرداد مشایخی

نیاز جامعه ایران به الگوهای نوین سیاسی



آخرین مقاله مهرداد مشایخی دکتر جامعه شناس و استاد مدعو دانشگاه جرج تاون به بررسی مولفه هایی می پردازد که میتوانند تغییری در سکون نسبی فعالیت های اعتراضی ایجاد کرده و زمینه ساز

بهبودی سیاسی در ایران شوند. دکتر مشایخی در مقاله خود از قهر مردم با سیاست یاد کرده و از لزوم تحوّل کیفی در ذهنیت سیاسی آنها میگوید.

مصاحبه کننده: مهیندخت مصباح

م.م: آقای مشایخی شما از لزوم الگوی سیاسی دیگری سخن گفته اید که بهیچوجه گذشته را برای مردمی که از سیاست قهر کرده اند، تداعی نکند. سوال اینجاست که چگونه این الگو را در جامعه ای که هفتاد درصد جمعیتش زیر ۳۰ سال است و اپوزیسیونی دارد با متوسط سنی پنجاه که عادات و روشهایی را تکرار می کند، میتوان ساخت؟

مهرداد مشایخی: منظور من این است که ما دو تجربه را طی ۲۵ سال اخیر پشت سر گذاشته ایم. تجربه ای اول، آن الگوی فکری است که بسیج مردم را بر مبنای نوعی بسیج زیرزمینی برای انقلاب کردن و اهداف خشن در سر دارد. الگوی دومی که ما پشت سر گذاشته ایم و تقریباً وفاق نظری جمعی بر این است که دیگر استقبال چندانی از آن نمی شود، الگوی اصلاح طلبی اسلامی است که برای چندسالی در ایران مطرح بود و دستاوردها و عدم موفقیت هایی با هم داشت. آن چیزی که امروز به نظر من در دستور کار است، طرح نظری و عملی الگویی است که جمهوریخواه باشد، مسئله دموکراسی را مسئله ی محوری خودش قرار بدهد، نخواهد مسئله ی حقوق بشر را جدا از دموکراسی مطرح کند و در عین حال به روشهای مسالمت آمیز معتقد باشد. در کنار جنبه های رسمی این الگو، ما باید توجه داشته باشیم که از نظر فرهنگی همانطوری که اشاره کردید در سواتان، گیر یا مشکلی هست بین جامعه جوان و اپوزیسیونی که حد متوسط سنش ۵۰ یا بالاتر از آن است. از نظر فرهنگی و روشهای کار بسیار مهم است که اپوزیسیون در شرایط کنونی بتواند رابطه ای مناسب و منطقی با این نسل جوان ایران برقرار کند. این نسل جوان شبیه نسل جوان سایر کشورها طبعاً از روشهای صرفاً سیاسی برای نشان دادن اعتراضات خود دور

شده و به مقاومت های فرهنگی و هویتی روی آورده است که تقریباً ما شبیه این را در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی می بینیم. بنابراین مراد من از طرح یک الگوی جدید، فاصله گرفتن از تغییرات و اصلاحات محدودی که اصلاح طلبان مطرح می کنند و روی آوردن به یکسری تغییرات بنیادی تر است که ساختارهای اصلی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و روابط بین الملل در ایران را نشانه میگیرند.

م.م: البته شما در همین مقاله از زبان و نمادهای تازه و رهبران تازه نوشته اید. پرسش اینجاست که آیا با توجه به بحث زمستان سیاسی که خودتان در مقاله به آن اشاره کرده اید، موقعیتی بوده که چنین نمادها و رهبرانی بارآمده باشند؟

مهرداد مشایخی: رهبری و نمادها در واقع در بطن فرهنگ و روابط گذشته شکل گرفته اند و مسئله ی اصلی مسئله ی ظهور آنها و درآمدشان در یک فرصت سیاسی و اجتماعی تازه است. چیزی که در حال حاضر ما محتاجش هستیم، شکل گیری فرصتی سیاسی است. فرصت سیاسی اصولاً در مبارزات اجتماعی معمولاً یا همیشه تحت کنترل ما نیست، عاملی است که به دلایل مختلف ناگهان از راه می رسد. مثلاً در انقلاب ۱۳۵۷، باز شدن فضای سیاسی ایران مقداری زیادی دست عوامل خارجی و سیاست حقوق بشر کارتر بود، که این فشاری روی دولت شاه گذاشت، آنرا عقب راند و وادار کرد فضای سیاسی را مقداری باز بکند. البته شرایط استثنایی نیز هست که فرصت سیاسی را نیروهای اپوزیسیون و مردم طی اعتراضاتشان می سازند، و از یک عامل و یک اعتراض کوچک ناگهان می آیند و فضا را باز می کنند.

بعنوان نمونه در فیلیپین به دنبال قتل آکینو توسط دولت فیلیپین، اعتراضات مردم ناگهان حکومت مارکوس را عقب راند و فضای سیاسی را باز کرد و یک سلسله تظاهرات بعد از آن پیش آمد که در نهایت به سقوط مارکوس منجر شد. بنابراین مسئله مطرح در ایران امروز این است که برای ابراز و طرح نمادها و روشها و رهبران جدید در ایران آن فرصت ها چگونه می رسد و این طبیعتاً محتاج گشایش فضای سیاسی است. البته هنوز بحث سر این هست که این فرصت چگونه و کی فراهم خواهد شد.

م.م: آقای دکتر مشایخی شما طی مصاحبه ای رای به عدم شرکت در انتخابات می دهید با این استدلال که این اقدام، اپوزیسیون را از هدف برجسته کردن سیاستها و ارزش هایش دور می کند. بعقیده شما بسترهای لازم برای اینکه اپوزیسیون طی ۳ ماه آینده بتواند به این اهداف نزدیک بشود، چه هستند؟

معمولا توسط تعداد معینی نوشته می شود و در اختیار بقیه گذاشته می شود که بتوانند با آن همراهی کنند. اصولا بخاطر فضای اختناق و محدودی که در ایران وجود دارد، به نظر من کار دستکم در مراحل اولیه اش فقط به این شکل می تواند جلو برود. فکر می کنم آن موجی که ایجاد بشود شرایط را برای دور بعدی امضا جمع کردن تسریع می کند و بسیاری از افراد با آمادگی بیشتری و با رغبت بیشتری و با اعتماد بیشتری به این نوع حرکات جلب می شوند.

بقیه از صفحه ۱۶

است و نه یک امتیاز. انسانها بر خلاف حیوانات قادرند کنش خود را در مقابل ذات های خردمند دیگر توجیه کنند. چنین امری اما نه به عنوان یک لذت یا تمتع، بلکه به مثابه یک وظیفه ی اخلاقی قابل درک است. آزادی اراده ی انسان، یعنی مسئولیت پذیری و رفتار مسئولانه او و این، معنایی جز این ندارد که انسان نه تنها می تواند، بلکه موظف است کنش خود را در مقابل دیگران توجیه کند. بنابراین، پذیرفتن منزلت انسان، نه یک بازدهی در زمینه ی شناخت نظری، بلکه حامل بصیرت و درایتی عملی، عنایت و بذل توجه، تجربه و از خودگذشتگی است. توانایی توجیه کنش خود نزد دیگران، همزمان نوعی بایسته ی اخلاقی است. به این اعتبار، منزلت، هم موهبتی به انسان است و هم تحمیلی به او. و این نکته، این سخن ژان پل سارتر فیلسوف فرانسوی را به خاطر می آورد که: انسان محکوم به آزادی است.

بقیه از صفحه ۲۶

تظاهرکنندگان را چهل و پنج هزار نفر برآورد کرده است. تظاهرکنندگان در شعارهای خود علاوه بر اینکه جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا را "تروریست شماره یک جهان" خطاب می کردند علیه حمله به ایران نیز شعار می دادند. در میان تظاهرکنندگان تعدادی از ایرانیان مقیم بریتانیا نیز به چشم می خوردند اما آن گونه که خبرنگاران از میان تظاهرکنندگان خبر داده اند، حضور ایرانیان در این تظاهرات به صورت پراکنده و دسته های جداگانه بوده و به نظر نمی رسد بر اثر هماهنگی و سازماندهی قبلی انجام شده باشد.

مهرداد مشایخی: من اصولا این نظر را ندارم که اگر در یک مملکت حکومت استبدادی برقرار است اصولا و همیشه باید از شرکت در انتخابات دوری کرد. حتا در شرایطی در یک مملکت استبدادی شما گاه تشخیص می دهید که شرکت تان در انتخابات امتیازات بیشتری برای نیروهای مخالف می گیرد تا عدم شرکت. اما به اعتقاد من انتخابات کنونی یکی از آنها نیست. شرایط فعلی با سال ۱۳۷۶ که خاتمی به رییس جمهوری رسید و به دنبال آن برای دو سالی فضای سیاسی بطور نسبی باز شد، فرق دارد. ما الان در شرایطی قرار داریم که حاکمیت هیچگونه امتیازی را نمی دهد و چشم اندازی هم وجود ندارد که بخواهد اصولا امتیازی به نیروهای مخالف و اپوزیسیون اش بدهد. بنابراین در چنین شرایطی که نیروهای اقتدارگرا دست بالا را دارند و امیدی به باز شدن فضای سیاسی از طریق آنها نیست، من فکر می کنم شرکت در این نوع انتخابات بیشتر دست حریف را قوی می کند تا دست نیروهای مخالف را. در این شرایط به نظر من نیروهای مخالف باید یکنوع هماهنگی میان خودشان ایجاد کنند. اولاً در انتخابات شرکت نکنند و ثانیاً طرحی را برای خواسته های ساختاری و مسائل فعلی به مردم ارائه بدهند. در واقع این نوعی فرصت محدود برای طرح دیدگاهها و تحلیل های اپوزیسیون است.

این بیانیه ی ۵۶۵ نفره نطفه و هسته ی اولیه ی چنین مشارکتی در سطح گسترده به نظر من ایجاد کرده اما همانطور که در مقاله نیز اشاره کرده ام، اگر بصورت منفرد بخواهد باقی بماند و صرفا یک گام باشد، تاثیرش بسیار محدود خواهد بود. مسئله ی اصلی این است که آیا این ۵۶۵ نفر یا حداقل بخش وسیعی از آنها قادر هستند که یکنوع تشکیلات، یکنوع تداوم به این حرکت بدهند؟ تا ما منتظر اعلامیه های بعدی باشیم و در آنجا بتوانند یک مقداری این مفاهیم کلی شان را باز کنند و برای مردم امیدبرانگیز باشند که حس بکنند یکنوع همکاری و وحدت عمل در میان نیروهای اپوزیسیون داخل ایجاد شده است.

م.م: آقای مشایخی، آیا در حالیکه لزوما امضا کنندگان هر بیانیه تدوین کننده اش نیستند و با توجه به شرایط نا امن سیاسی ایران چه بسا یک دهم این افراد هم دور هم نتوانسته اند جمع شوند و بحث مشخصی را دنبال کنند، میتوان نتیجه گرفت که توافقی گسترده با چشم انداز تداوم صورت گرفته است؟

مهرداد مشایخی: طبیعی ست که در شرایط کشوری مثل کشور ایران اصولا ۵۶۵ نفر نمی توانند در تدوین یک چنین امری نقشه ی شبیه و یکسان داشته باشند. طبیعی است که اینجور اطلاعاتی ها

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

بهرام محبی

فلسفه‌ی حقوق بشر در منزلت انسان (گفتار دوم)



ایمانوئل کانت، فیلسوف
خردگرای آلمانی: "اگر
چه انسان آنگونه که باید
مقدس نیست، اما بر او
بایسته است تا انسانیتی را
که در اوست با تقدس

بنگرد "منزلت انسان، کانونی ترین ارزش فلسفی حقوق بشر و به معنای در نظر گرفتن ارزشی ویژه برای شخصیت انسانی است. این ارزش، هم خصلتی درونی دارد و هم اجتماعی و ادعایی برای احترام نسبت به انسان را به بیان در می آورد. منزلت انسان، نه قابل انتقال و واگذاری و نه صرفنظر کردنی است.

امروزه برای تبیین دقیق تر منزلت انسان، آن را با ارزشهای دیگری چون حق زندگی، آزادی، استقلال شخصیت، برابری انسانها، عدالت، همبستگی و زندگی صلح آمیز و عاری از خشونت در پیوند قرار می دهند. ما درباره‌ی این ارزشها به مرور سخن خواهیم گفت، اما گفتار کنونی را به مفهوم منزلت انسان اختصاص داده ایم.

ایده‌ی منزلت انسان، ریشه در فلسفه‌ی یونان باستان دارد که این منزلت را ناشی از خردمندی ذات انسان (آزاد) و آزادی اراده‌ی او می دید. تصویر انسان در سنت یهودی - مسیحی، به مثابه آفریده‌ی همانند خداوند، ارزش این منزلت را ارتقاء بخشید. در دوران جدید و در قوانین اساسی دولتهای دمکراتیک، منزلت انسان، عالی ترین هنجار به حساب می آید و خدشه ناپذیر است.

ایمانوئل کانت، فیلسوف بزرگ عصر روشنگری، در رساله‌ی خود «بنیاد متافیزیک اخلاق»، تعریف دقیقی از منزلت انسان ارائه داده است. کانت می گوید: «در قلمرو غایت ها، همه چیز یا دارای قیمت است یا منزلت. آن چیز که دارای قیمت است، می توان به جای آن معادلی را برنشانند. اما در مقابل، آن چیزی که والاتر از همه‌ی قیمتها قرار دارد و معادلی برای آن مجاز نیست، دارای منزلت است». کانت با چنین تعریفی، خود را در جبهه‌ی سنت متافیزیک یونان باستان قرار می دهد که با توجه به ذات انسان، جایگاه یگانه‌ی او در نظام گیتی به او بخشیده بود. برای کانت، انسان با توجه به چنین جایگاهی، از ارزش مطلق برخوردار است که آن را می توان «تقدس بشری» در وجود تک تک افراد نامید. وی به همین دلیل تصریح می کرد که اگر چه انسان آنگونه که

باید مقدس نیست، اما بر او بایسته است تا انسانیتی را که در اوست با تقدس بنگرد.

بنا بر این تعریف کانتی، انسان تنها موجودی است که برای آن قیمت و معادلی وجود ندارد، چرا که انسان دارای منزلت است. می توان سنجشگرانه پرسید که آیا چنین دیدگاهی ناشی از گرایش انسان محورانه و نتیجه‌ی خودخواهی نوع بشر نیست که خود را نسبت به موجودات زنده‌ی دیگر در چنین جایگاه والایی برنشانده است؟ کانت در مقابل چنین پرسشی این گونه استدلال می کند که احترام به منزلت انسان را نمی توان با خودخواهی طبیعی حیوانی مقایسه کرد، چرا که چنین احترامی نتیجه‌ی آزادی است. انسان تنها موجودی است که با اتکاء بر شعور خود می تواند تشخیص دهد که دنبال کردن اهداف خودخواهانه، سود بیشتری در بر دارد. اما اگر انسان داوطلبانه و مطابق اراده‌ی آزاد خود، از ظلم و ستم نسبت به هموعان خود صرفنظر کند و از اهداف خودخواهانه فاصله بگیرد، دیگر نه از قوانین طبیعی بلکه از قانونی اخلاقی پیروی کرده است. همین قانون اخلاقی است که تنها در انسان وجود دارد و منزلت و ارزش والای او را متعین می سازد.

اینک با حرکت از مرزی که کانت میان منزلت و قیمت می کشد، می توان سه ویژگی برای منزلت انسان برشمرد:

نخست اینکه، منزلت نوعی رابطه است و نه یک صفت. به عبارت روشن تر، منزلت چیزی در انسان نیست، بلکه رابطه‌ی میان انسانهاست. رابطه‌ی ای که انسان بر پایه‌ی انسانیت میان خود و دیگران مستقر می کند. هر آینه تلاش کنیم که این منزلت را به صفاتی متصل کنیم، ویژگی یگانه‌ی آن را سلب و آن را محدود کرده ایم. درست به همین دلیل باید از یکپارچگی و «خدشه ناپذیری» حرمت و منزلت انسان سخن گفت. «خدشه ناپذیری» منزلت انسان طبعاً به این معنا نیست که حرمت هیچ انسانی خدشه دار نمی شود، بلکه به معنی پیوندی ناگسستنی میان همه‌ی انسانهاست و هر کس منزلت انسانی را خدشه دار کند، بیش از قربانی، منزلت خود را خدشه دار کرده است.

دوم اینکه، منزلت یک مقام و موقعیت فطری انسانی است و نه یک امر اکتسابی. به عبارت دیگر، منزلت انسانی در وجود انسان مستتر است و حاصل تلاش یا شایستگی نیست. در نتیجه، توانایی های جسمی و روحی یک فرد نمی تواند منزلت او را نسبت به فرد دیگر ارتقا بخشد.

سوم اینکه، منزلت انسان همواره به مثابه یک وظیفه قابل درک

بقیه در صفحه ۱۵

مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان



فریبرز رییس‌دانا، فعال سیاسی و استاد دانشگاه در واکنش به سخنان اخیر

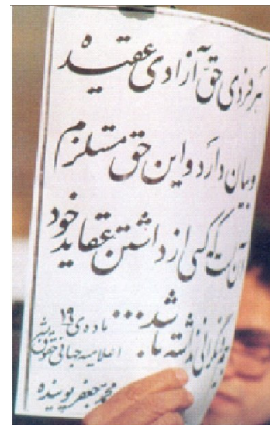
رییس‌جمهور آمریکا مبنی بر این که «اگر ایران از پذیرش مشوق‌های اقتصادی آمریکا خودداری کند، از شورای امنیت می‌خواهد تا تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کند»، به تزییقاتی که در طول تاریخ از سوی آمریکا علیه ایران اعمال شده، اشاره کرد و اظهار داشت: «پس از جنگ جهانی اول که آمریکا به عنوان منجی آزادی در بسیاری از کشورها مطرح شد و خود را جانشین استعمار انگلیس معرفی کرد، در ایران از در خصومت وارد شد؛ جنبش چپ و کارگری ایران را تحت فشار قرار داد، علیه دولت مردمی مصدق کودتا کرد، در برابر ملی شدن صنعت نفت و استقلال ایران مانع تراشی کرد؛ با به راه انداختن اصلاحات ارضی، حکومت شاه را تثبیت و هزاران آزادی‌خواه را قربانی کرد تا جایی که با حضور مستشاران آمریکایی کشور به اشغال آنها درآمد. همچنین به طبع مداخلات آمریکا و به رغم مصوبات کنفرانس تهران و جنبش جهانی نفت، ارتش ایران به ژاندارمی در منطقه تبدیل شد و هزینه‌های گزاف چنین ژاندارمی را ملت ایران متحمل بودند.» این استاد دانشگاه با اشاره به تحمیل سیاست‌های اقتصادی آمریکا خاطر نشان کرد که: «این عارضه سبب فلج شدن اقتصاد ایران، پیش و پس از انقلاب ایران شد. هم‌چنین آمریکا پس از انقلاب به گونه‌ای عمل کرد که جنبش دموکراتیک به عنوان یک جنبش خطرآفرین معرفی شود، میلیاردها دلار ذخایر ارزی ایران را بالا کشید، در مداخلاتش با روسیه، پای ایران را وسط کشید، صدام حسین را علیه ایران تحریک کرد و صدها هزار جوان ایرانی را به شهادت رساند. البته مجموع عملکرد امپریالیزم جهانی در سراسر دنیا حاکی از حمایت آن از حکومت‌های خودکامه و ارتجاعی با حضور جریان‌های سرکوب‌گر و ویران‌گر بوده است.» رییس‌دانا در پذیرفتن برخی اشتباهات مدیریتی و اقتصادی داخلی، از تحمیل سیاست‌های تبدیل ساختاری و تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران به عنوان مهم‌ترین عامل فلج کننده‌ی اقتصاد ایران یاد کرد و ادامه داد: «این آمریکاست که سازمان تجارت جهانی را به یک وجدان در میان نظریه پردازان عضو شبکه‌ی قدرت بدل کرده و تمامی جهان و ایران را در چنبره‌ی سیاست‌های اقتصادی تحمیلی خود از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول محاصره کرده

است. به گونه‌ای که به سرعت بسیاری از کشورهای جهان را به یکی از بزرگ‌ترین بدهکاران جهانی تبدیل کرده است. «وی با بیان این که به علت عدم ارتباط ایران و آمریکا تاکنون آمریکا نتوانسته مستقیماً در امور ایران دخالت کند، متذکر شد:» در حال حاضر نیز آمریکا با تحمیل سیاسی اقتصادی خود، اقتصاد ما را تحریم و تخریب کرده است. زمانی که ما در تحریم اقتصادی آمریکا به سر می‌بردیم، این ثروت‌اندوزان بودند که کیسه‌های خود را پر کردند. دود چنین تحریمی به چشم همه‌ی ملت ایران رفت ولی اکنون آنها با آنچه که مشوق اقتصادی خود می‌خوانند، سودی را متوجه یک عده‌ی اندک می‌کنند و نه تمام ملت. «به اعتقاد وی، حال که شیوه‌ی اقتصاد کنونی ایران ناتوان و توسط تحمیل سیاست‌های اقتصادی آمریکا مثله شده است، حضورش در سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند به عنوان یک کشور برنده باشد چرا که به علت بنیه‌ی ضعیف اقتصادی کاری از پیش نخواهد برد. بر این اساس این فعال سیاسی، چنین نتیجه‌گیری کرد که: «عدم مخالفت آمریکا با عضویت در WTO در ازای توقف غنی‌سازی اورانیوم به منزله‌ی آن است که روغن ریخته‌ای را وقف امامزاده می‌کنند و یا مرغی را که می‌خواهند سر ببرند به عروسی دعوت می‌کنند؛ ایران با بنیه‌ی ضعیف اقتصادی که دارد در صورت حضور در سازمان تجارت جهانی به مثابه همان مرغ است که با وجود حضور در این سازمان نیز نفعی نخواهد برد. رییس دانا با بیان «ما را به خیر تو امیدی نیست، شر مرسان» خطاب به آمریکا، یادآور شد: «باید شرایط صلح‌آمیز با همه‌ی جهان را فراهم کرد و از جنگ‌طلبی پرهیز کرد ولی در پیشنهادات اخیر آمریکا هیچ نشانی از تأمین منافع ملت وجود ندارد. وی با اظهار بی‌اطلاعی از انگیزه‌ها و سیاست‌های دولت ایران نسبت به روند پرونده‌ی هسته‌ی، گفت: «در چارچوب سازمان ملل و وجدان جهانی هیچ کشوری حق دخالت در استراتژی انرژی دیگر کشورها را ندارد و در شرایط دموکراتیک تعیین چنین استراتژی تنها حق ملت ایران است.» این اقتصاددان با تأکید بر این که باید نگاه درازمدت به نتایج مسائل مختلف داشت، ادامه داد: «باید با تقویت بنیه‌ی اقتصادی و تعمیق دموکراسی به سوی پیش برویم تا ملت پشتیبان سیاست و اقتصاد کشور باشند. به این ترتیب جلوی دست‌اندازهایی امپریالیسم گرفته شده و منافع ایران تأمین می‌شود. به گفته‌ی وی، عدم توجه به چنین نکاتی اگرچه از سوی راست‌گرایان عادی به نظر می‌رسد ولی استقلال‌طلبان ایران باید مراقب باشند تا حرف‌ها و عملکردهایشان منافع ملی ایران را تضییع نکند.

دکتر احمد رضا کمره ای

بازتاب اعلامیه جهانی حقوق بشر در قوانین اساسی کشورها و اتحادیه اروپا

به مناسبت روز حقوق بشر (۱۰ دسامبر = ۲۰ آذر) به هم وطنان عزیزم تقدیم نمودم. در آن مقاله متذکر گردیدم که تحقیقات پروفیسور هرست هانوم [منبع ۱] نشان می دهد که تا سال ۱۹۹۵ قوانین اساسی حداقل بیست و شش کشور بطور واضح به برتری اعلامیه جهانی حقوق بشر بر قوانین داخلی آن کشورها اشرار دارد. لازم به یاد



آوری است که سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را بعنوان سندی جهانشمول و فرا زمان رسماً به بیش از ۳۰۰ زبان ترجمه کرده است تا برای همه انسانها بصورت یکسان قابل فهم و درک باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر به زبان فارسی را می توان مستقیماً از سازمان ملل متحد از طریق آدرس الکترونیکی www.unhcr.ch/udhr/lang/prs دریافت نمود:

تحقیقات اینجانب روشن می سازد که انعکاس اعلامیه جهانی حقوق بشر در قوانین اساسی کشورها بخصوص در دهه اخیر گسترده تر از حدی است که پروفیسور هانوم ارائه نموده است. بررسی وب سایت سازمان ملل متحد نشان میدهد که از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تا به امروز تعداد اعضای سازمان ملل متحد از ۵۸ کشور به ۱۹۱ کشور افزایش یافته است. در این مدت تعداد بسیاری از کشورها قوانین اساسی خود را یا برای اولین بار نوشته اند (کشورهای جدید التاسیس)، یا از نو نوشته اند (کشورهایی که نظام حکومتی آنها تغییر یافته است) و یا آنها اصلاح کرده اند (کشورهای دموکراتیک و یا نیمه دموکراتیک).

خوشبختانه شبکه اینترنت، قوانین اساسی کلیه کشورهای جهان را بسهولت در اختیار علاقمندان می گذارد [منابع ۲ تا ۸]. وزن اخلاقی و معنوی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های الحاقی آن (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بحدی است که عین کلمات،

عبارات و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های الحاقی آن در قوانین اساسی بیش از یکصد کشور جهان انعکاس یافته است. در بین قوانین اساسی فوق، قوانین اساسی حداقل ۴۰ کشور ونیز اتحادیه اروپا به صراحت از اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا میثاق های الحاقی آن نام می برند. توضیح اینکه قانون اساسی اتحادیه اروپا در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۴ توسط سران و روسای دول ۲۵ کشور عضو اتحادیه و ۳ کشور کانیدیدای عضویت در اتحادیه امضا شده است. این سند می بایستی توسط مردم و یا پارلمان این کشورها تأیید گردد.

در ذیل، ترجمه فارسی (جدیدترین نسخه) بخشی از قوانین اساسی کشورها و اتحادیه اروپا که به صراحت از اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا میثاق های الحاقی آن نام میبرد، از نظر هموطنان عزیز میگذرد.

قانون اساسی اتحادیه اروپا (۲۰۰۴)

قسمت ۲، ماده ۶۱ (اعلامیه ها: عنوان ۱، ماده ۱): « کرامت انسان غیر قابل تجاوز بوده، میبایستی مورد احترام و حفاظت قرار گیرد... کرامت شخص انسان نه فقط خود یک حق بنیادین است، بلکه مبنای واقعی حقوق بنیادین را تشکیل میدهد. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ کرامت انسان را در مقدمه اش بدین صورت تقدیس کرده است: از آنجا که شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد»

قانون اساسی افغانستان (۲۰۰۴)

مقدمه: « با رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر»

قانون اساسی آندورا (۱۹۹۳)

ماده ۵: « در آندورا، اعلامیه جهانی حقوق بشر لازم الاجرا است.»

قانون اساسی آرژانتین (۱۹۹۸)

بخش ۵۷، ماده ۲۲: «...اعلامیه جهانی حقوق بشر... میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل مربوطه، قرارداد بین المللی جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن، قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، کنوانسیون بین المللی حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون بین المللی ضد شکنجه و سایر مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده و کنوانسیون حقوق کودک... بخش اول این قانون اساسی را لغو نمی کنند و میبایستی به عنوان حقوق و ضمانت های مکمل شناخته شوند.»

قانون اساسی بلیز (۱۹۸۱)

ماده ۱۰: « قانون اساسی میبایستی دارای یک بخش جامع در باره حقوق بشر و آزادی ها متناسب با میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل باشد.»

قانون اساسی بنین (۱۹۹۰)

مقدمه: « ما مردم بنین مجددا پیوستگی خود را به اصول دموکراسی و حقوق بشر بصورتی که در منشور ملل متحد ۱۹۴۵ و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ... تعریف شده است، تأیید می کنیم. مواد این اسناد جز لاینفک این قانون اساسی و قوانین بنین بوده و ارزشی برتر از قوانین داخلی خواهند داشت.»

قانون اساسی بولیوی (۲۰۰۲)

ماده ۶: « حقوق بنیادی و تامین های شخصی بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر... تفسیر و اجرا خواهد شد. »

قانون اساسی بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۵)

مقدمه: « احترام کامل به قوانین انساندوستانه بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و اعلامیه حقوق انسانی اقلیت های ملی، قومی، مذهبی و زبانی»

قانون اساسی بورکینا فاسو (۱۹۹۷)

مقدمه: « ما مردم بورکینا فاسو اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و اسناد بین المللی برای حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را تصدیق کرده و بر آنها صحه میگذاریم.»

قانون اساسی بروندي (۱۹۹۲)

مقدمه: « ما مردم بروندي پیوستگی خود را به حقوق اساسی انسان آتطور که از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی حقوق انسان ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ ... استنتاج میگردد، اعلام میداریم.»

قانون اساسی کامبوج (۱۹۹۹)

ماده ۳۱: « .. با برسمیت شناختن و احترام به حقوق بشر بر طبق موازین منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق ها و قراردادهای مربوط به حقوق بشر، و حقوق زنان و کودکان»

قانون اساسی کامرون (۱۹۷۲)

مقدمه: « با تأیید دل بستگی به آزادی های بنیادین که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد... و کلیه میثاق های بین المللی تقدیس گردیده است»

قانون اساسی کیپ ورد (۱۹۹۲)

ماده ۱۶(۳): « استانداردهای قانون اساسی و حقوقی و هرگونه کاستی ها درباره حقوق بنیادین، بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر تفسیر خواهد شد.»

قانون اساسی چاد (۱۹۹۶)

مقدمه: « ما مردم چاد دل بستگی خود را به اصول حقوق بشر بصورتیکه در منشور ملل متحد ۱۹۴۵ و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸... تعریف شده است، اعلام میداریم.»

قانون اساسی کومور (۲۰۰۱)

مقدمه: « ما مردم کومور پیوستگی خود را بطور قاطع به ... اصول و حقوق اساسی به صورتیکه در منشور سازمان ملل... اعلامیه جهانی حقوق بشر... و میثاق های بین المللی بویژه میثاق های مربوط به حقوق کودک و زن تعریف شده است، اعلام میداریم.»

قانون اساسی کنگو (۱۹۹۲)

مقدمه: « اصول اظهار شده و ضمانت گردیده در منشور سازمان ملل ۱۹۴۵ و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ جز لاینفک قانون اساسی کنونی اعلام میگردد.»

قانون اساسی ساحل عاج (۲۰۰۰)

مقدمه: « مردم ساحل عاج پیوستگی خود را به حقوق و آزادی ها بصورتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸... تعریف شده است، اعلام میدارند.»

قانون اساسی گینه استوائی (۱۹۹۶)

مقدمه: «... با تأکید قاطع بر آزادیهای عقیدتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تقدیس شده است»

قانون اساسی اتیوپی (۱۹۹۴)

ماده ۱۳(۲): « حقوق و آزادی های بنیادین که در این فصل آمده است، طوری تفسیر خواهد شد که با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق بشر... مطابقت داشته باشد.»

قانون اساسی گائین (۱۹۹۱)

مقدمه: « با تأیید قاطع بر پیروی از حقوق بشر و آزادی های اساسی که در... اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تقدیس گردیده»

قانون اساسی گرجستان (۲۰۰۴)

مقدمه: « شهروندان گرجستان که تصمیم قاطع دارند یک نظم اجتماعی دموکراتیک، آزادی اقتصادی و یک نظام اجتماعی مبتنی بر قانون بوجود آورند، اصول شناخته شده جهانی حقوق بشر و آزادی ها را تامین خواهند کرد.»

قانون اساسی گینه (۲۰۰۱)

قانون اساسی مولداوی (۱۹۹۴)

ماده ۴ (۱): « مواد قانون اساسی درباره حقوق بشر و آزادی ها، بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر...تفسیر و اجرا خواهد شد.»

قانون اساسی نیکاراگوئه (۲۰۰۰)

ماده ۴۶: « ... شناسائی حقوق ذاتی هر فرد انسانی، احترام بی نهایت به حقوق بشر و پیشبرد و حفاظت از آن و کاربرد کامل حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر...میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل آمده است.»

قانون اساسی نیجریه (۱۹۹۹)

مقدمه: « ما مردم نیجریه پیوستگی خود را به اصول دموکراسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اعلام میداریم.»

قانون اساسی فلسطین (پیش نویس چهارم- فوریه ۱۹۹۶)

ماده ۸: « فلسطین، حقوق بشر و آزادی های بنیادین را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، کنوانسیون بین المللی ضد شکنجه و سایر مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده و نیز سایر قرارداد ها و میثاق هائی که اینگونه حقوق و آزادی ها را تامین نماید، برسمیت شناخته و به آنها احترام میگذارد.»

قانون اساسی پرو (۱۹۹۳)

ماده ۲۰۶ (۴): « استاندارد حقوق و آزادی های مصرحه در قانون اساسی، بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و... تفسیر خواهد شد»

قانون اساسی پرتغال (۱۹۸۹)

ماده (۲) ۱۶: « مواد قانون اساسی و قوانین مربوط به حقوق بنیادین، در هماهنگی با اعلامیه جهانی حقوق بشر قرائت و تفسیر خواهند شد»

قانون اساسی رومانی (۲۰۰۳)

ماده (۱) ۲۰: « مواد قانون اساسی مربوط به حقوق و آزادی های شهروندان، بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر...، تفسیر و اجرا می شود»

قانون اساسی سنگال (۲۰۰۱)

مقدمه: « اعلام پیوستگی ویژه به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون بین المللی حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، و کنوانسیون حقوق کودک ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹»

قانون اساسی اسپانیا (۱۹۹۲) بقیه در صفحه ۲۶

مقدمه: «...پیوستگی به آرمان ها، اصول، حقوق و وظایف مصوب در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر...»

قانون اساسی گینه بیسائو (۱۹۹۶)

ماده ۲۹(۲): « آئین دادرسی قانون اساسی و قوانین عادی در مورد حقوق بنیادین می بایستی در هماهنگی با اعلامیه جهانی حقوق بشر تفسیر گردد.»

قانون اساسی گینه جدید پاپوا (۱۹۷۵)

ماده ۳۹ (۳): «...مرجع دادگاه، مواد این قانون اساسی، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا هر اعلامیه، توصیه نامه و یا تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر و آزادی های بنیادین خواهد بود.»

قانون اساسی هائیتی (۱۹۸۷)

مقدمه: « برای تضمین حقوق انتقال ناپذیر و باطل ناشدنی به زندگی، آزادی و جستجوی شادی در تطابق با اعلامیه استقلال ۱۸۰۴ و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸...»

قانون اساسی قرقیزستان (۱۹۹۸)

ماده ۱۶(۱): « حقوق و آزادی های اساسی بر طبق استانداردهای پذیرفته شده جهانی و اصول حقوق بین الملل، معاهدات بین المللی و قراردادهای حقوق بشری که مورد تایید قرقیزستان قرار گیرد، شناخته شده و ضمانت می گردند.»

قانون اساسی لیتوانی (اعلامیه الحاق به اسناد حقوق بشری - ۱۹۹۰)

قسمت ۱: «...جمهوری لیتوانی به اسناد بین المللی زیر ملحق میشود: اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶»

قانون اساسی لبنان (۱۹۹۰)

مقدمه: « لبنان یکی از اعضا موسس و فعال سازمان ملل متحد بوده، به میثاق های آن و اعلامیه جهانی حقوق بشر وفادار است. دولت، این اصول را بدون استثنا در همه زمینه ها و رشته ها جایگزین خواهد کرد.»

قانون اساسی مالی (۱۹۹۲)

مقدمه: « مردم مالی اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸...را تصدیق کرده، بر آن صحنه می گذارند.»

قانون اساسی موریتانی (۱۹۹۱)

مقدمه: « مردم موریتانی قاطعانه دل بستگی خود را به اسلام و اصول دموکراسی آنطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ تعریف شده است، اعلام میدارند.»

محمود اروج زاده

فیلترینگ و حقوق بشر - محمود اروج زاده

فیلتر شدن سایت های فارسی روبه افزایش است. این را کاربران ایرانی به صورت یک موج آرام ولی پیش رونده احساس می کنند؛ اما فقدان هرگونه ساز و کار و دستاویز قانونی برای پیگیری مسأله و استیفای حقوق، باعث شده که جنبه های حقوقی، قضایی و بین المللی این امر مغفول بماند و روندی که فیلترینگ پیش رو دارد، بدون مانع خاصی ادامه یابد. اما آیا این مسأله می تواند دلیلی بر بی توجهی نسبت به واقعیات بارز داخلی یا جهانی باشد؟

مطابق این میثاق (wsis) جهانی، کشورها باید برای گسترش و تعمیق امکان دسترسی آزادانه عموم مردم به اطلاعات بکوشند. فهم غالب این گردهمایی جهانی که بعدها به ادبیات رایج در عرصه اطلاع رسانی مبدل شد حاکی از آن است که امکان دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات، اکنون پاره ای از حقوق بشر است، و نمی توان در اجتماع و سیاست، به هردلیلی آن را ناپیژ شمرد.

۱- فیلترینگ درجهان اصولاً با ۲ انگیزه اخلاقی و سیاسی مورد توجه قرار می گیرد، ولی ساختار سنتی و مذهبی جامعه ما که در موارد پیشین هم (همانند ویدئو و ماهواره) از خطرات اخلاقی عبور کرده، اکنون نیز نمی تواند چندان موضوع هشدار جدی خطرات اخلاقی اینترنت باشد. در چنین فضایی است که شائبه سیاسی بودن فیلترینگ پرنگ تر می شود، به ویژه اینکه در عمل نیز مصادیق بیشتری از سایت های سیاسی درمقایسه با موارد غیراخلاقی دیده می شود. البته برخی موارد چنان ابهام برانگیز است که نمی توان هیچ قضاوت دقیقی ارائه نمود، مثلاً سایتی مانند اورکات که اساساً در هیچ یک از این دو مقوله نمی گنجد، مدتی است که در لیست فیلترینگ است و عجیب این که برخی مراجع مسؤول فیلترینگ (به ویژه مخابرات) آن را تکذیب کرده اند، اما کاربران چیز دیگری می بینند.

۲- یک تحقیق دانشگاهی که اخیراً در تحلیل محتوای مطالب سایت های معروف خبری - سیاسی فارسی زبان انجام شده یافته

های جالبی به همراه داشته است، از جمله این که بیش از ۷۰ درصد مطالب این سایتها «خبر» است و بیش از ۹۵ درصد این سایتها، با لحن رسمی روزنامه ای مطالب خود را ارائه می دهند و زبان انتقادی، توهین آمیز و طنز در کمتر از ۵ درصد آنها دیده می شود. استفاده از الفاظ زشت و رکیک هم در هیچکدام مشاهده نشده است (چکیده مقالات سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران)

۳- در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی ژنو در سال ۱۳۸۲، ایران کم و بیش به اتهام سخت گیری در کنترل سایت های اینترنتی تحت فشار قرار داشت. در حاشیه همین اجلاس، مدیر یکی از معروف ترین سایت های فارسی زبان، رویاروی وزیر ICT ایران خواستار رفع مسدودیت سایت خود در داخل کشور شد، وزیر نیز که پیشتر چندباری سایت موردنظر را تلویحاً تأیید کرده بود و خود را خواننده آن می دانست، با تصریح بر وجود راههای شفاف برای پیگیری و پاسخگویی در مورد سایت های فیلتر شده وعده پیگیری داد. اتفاقاً زمان زیادی نگذشت که این سایت آزاد شد ولی اکنون چندی است که بازهم در تور فیلترینگ گرفتار است.

۴- به هرحال واقعیت این است که در فضای اینترنت فارسی، عرصه در حال تنگ شدن است و گزینه های انتخاب نیز در حال محدود شدن. این مسأله علاوه بر این که با ذات اینترنت و شبکه های اطلاع رسانی تباین دارد، علی الاصول با تعهد ایران در اجلاس wsis نیز ناسازگار است. مطابق این میثاق جهانی، کشورها باید برای گسترش و تعمیق امکان دسترسی آزادانه عموم مردم به اطلاعات بکوشند. فهم غالب این گردهمایی جهانی که بعدها به ادبیات رایج در عرصه اطلاع رسانی مبدل شد حاکی از آن است که امکان دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات، اکنون پاره ای از حقوق بشر است، و نمی توان در اجتماع و سیاست، به هردلیلی آن را ناپیژ شمرد.

۵- نظرات و مواضع اخیر مقامات عالیرتبه قضایی کشور در باب عدم توقیف مطبوعات، چه پیامد چالش حقوق بشر شمرده شود و چه دنباله و ضرورت تحولات خارجی یا داخلی، هرچه هست طلیعه ای است در نگاه دقیق تر و عمیق تر به این حق بشری. آیا می توان امیدوار بود که این گشایش به حوزه مجازی نیز گسترش یابد و بدین ترتیب، حقوق بشر در عرصه سپهر سایبر نیز به رسمیت شناخته شود؟

گزارش مقدماتی اجلاس جامعه اطلاعاتی سازمان ملل متحد

(ژنو، سویس)



اجلاس بین‌المللی جامعه اطلاعاتی هر دو سال یکبار توسط سازمان ملل متحد برگزار شده و در آن آخرین قوانین مربوط به اطلاعات و خبر رسانی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت قوانینی را به تصویب خواهند رسانید که دولتهای عضو ملزم به رعایت آن خواهند بود. در اجلاس جامعه اطلاع رسانی سه گروه شرکت فعال دارند.

اول: دولتها برای قانون گذاری و تهدات حقوقی خود مبنی بر معاهدات بین‌المللی

دوم: نمایندگان شرکتهای و بخشهای تجاری که از منافع اقتصادی رشتههای مختلف تکنولوژیک حرکت میکنند

سوم: سازمانهایی که طبق تعریف سازمان ملل سازمانهای غیر دولتی (ان جی او) نام گرفته اند.

هدف از اجلاس جامعه اطلاعاتی این است که سه گروه یادشده بتوانند باهمانگی با یکدیگر مجموعه تصمیمات را برای گردش بهتر اطلاعات در جامعه اختیار کنند.

اولین اجلاس جامعه اطلاع رسانی در سوئیس (۲۰۰۳) و اجلاس بعدی در تونس (۲۰۰۵) خواهد بود.

انتخاب تونس به عنوان محل آتی اجلاس اعتراضاتی را در میان سازمانها، احزاب و اپوزیسیون تونس برانگیخته است، چرا که این گروه ها دولت تونس را ناقض آزادی بیان معرفی میکنند.

از دیگر مباحث مورد بحث در این کنگره چگونگی تعریف N.G.O و نحوه شرکت آنان در این اجلاس است. بگونه ای که برگزارکنندگان اجلاس گروههایی را مجاز حضور میدانند که در کشورهای خود به ثبت رسیده باشند. از سویی دیگر ارتباط با نهادهای دولتی کشورها سبب خواهد شد که شرط به ثبت رسیدن آنان در تناقض با تعریف ان جی او ها قرار گیرد. از همین رو اجلاس اخیر بر سر این مسئله به بحث نشست و وعده داده اند که در این مورد تصمیمات جدیدی را اتخاذ خواهند کرد. از روی اینکه اجلاس اصلی در سطح روسای جمهور، وزیران و وزرای اقتصاد، مخابرات یا اطلاعات کشورهای عضو برگزار خواهد شد سازمان ملل جهت تسریع در کارها چند جلسه مقدماتی را برگزار میکند که نمایندگان کشورها با ارائه نقطه نظرات خود رئوس

مباحثی را که در اجلاس اصلی به تصویب خواهند رسانید را مشخص کنند. دومین جلسه تدارکاتی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در محل اجلاس های عمومی سازمان ملل متحد در ژنو (سویس) در حالی برگزار شد که جمهوری اسلامی ایران با هیئت کاملی متشکل از نمایندگان چند روزنامه ایرانی، سازمانهای غیر دولتی (ان جی او) و نمایندگان دولت شرکت داشتند. بحث اصلی هیئت ایرانی در اجلاس ژنو حول محور آزادی مطبوعات در عرصه بین‌المللی و مهمتر از آن محکومیت دولت آمریکا در ایجاد تحریمهای اینترنتی بروی سایتهای ایرانی متمرکز میباشد. بنابراین نمایندگان ایران از روی اینکه مهمترین شرکتهای ارائه دهنده خدمات اینترنتی در جهان در انحصار آمریکا میباشد سایتهایی که در مخالفت با سیاستهای آمریکا فعالیت کرده و بخصوص سایتهای ایرانی از سوی شرکت های آمریکایی محدود و بلوک میشوند. بحث ارائه شده هیئت ایرانی در جلسه مدیا اجلاس مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به این توضیح که بحث ارائه شده باید در جلسه مخصوص هیئت دولتها مطرح شود و آن جلسه صلاحیت بررسی آن مورد را ندارد از روی میز جمع آوری شد. جمهوری اسلامی در حالی با این اعتراض به ژنو آمده که خود یکی از بزرگترین سرکوبگر آزادی های بیان و اینترنت در جهان است. فیلترینگ گسترده سایتها و وبلاگها در ایران، دستگیری و تهدید نویسندگان و تعطیلی صدها مطبوعات در ایران همگی گواه بر چهره دروغینی دارد که جمهوری اسلامی در تلاش ارائه آن در ژنو است. جمهوری اسلامی در حالی در اینگونه اجلاس حضور فعال دارد که جای بخش سرکوب شده اش، یعنی نویسندگان، روزنامه نگاران و ده ها تشکل فرهنگی و مترقی دیگر خالی است. بطور مثال آیا کانون نویسندگان خارج از کشور و یا انجمن قلم، سینماگران در تبعید و دیگر مدعیان پرچمداری پیشروان آزادی بیان در ایران! نباید در اینگونه اجلاس ها شرکت کنند؟ اینها سئوالاتی است که همیشه بی پاسخ مانده! در اجلاس ژنو اعتراضاتی هم بشکلی کاملاً محدود و جزئی به حضور جمهوری اسلامی و سیاستهای آزادی ستیزانه او صورت گرفت. سایت اینترنتی "همبستگی خلق برای سوسیالیسم" و یکی از اعضای سازمان خبرنگاران بدون مرز اطلاعیه ای را در این خصوص منتشر کردند و همچنین سایتهای اینترنتی "من و پالتاک" و "دخترک" با صدور اعلامیه ای بزبان انگلیسی خطاب به نمایندگان دیگر کشورهای جهان و پخش گسترده آن در محل اجلاس، جامعه عمومی را به محکومیت جمهوری اسلامی تشویق کرد.

ترجمه: ن. نوریزاده

گزارش کامل ناظران حقوق بشر در مورد ایران

ژوئن ۲۰۰۴ (خرداد ۱۳۸۲) ش ۲ / E



مثل مرده در تابوت

شکنجه، بازداشت و سرکوب مخالفین در ایران

بخش پنجم - قسمت اول / مراکز بازداشت و بد رفتارها:

این بخش شرح رفتار (غیر انسانی، خشن و تحقیر آمیز) با بازداشت شدگان سیاسی در زندان اوین، تهران و دیگر بازداشتگاههای غیر قانونی میباشد که توسط نهادهای گوناگون امنیتی و اطلاعاتی اداره میگردد. همچنین این بخش شرح وضعیت بازداشتگاههای غیر قانونی از زبان بیشتر زندانیان سیاسی است که به مدتهای طولانی در سلول های انفرادی این بازداشتگاهها زندانی بوده اند. بعلاوه گزارش بخش پنجم، رابطه بین نیروهای امنیتی لباس شخصی را با مراکز و بازداشتگاههای غیر قانونی با اسناد و مدارک نشان میدهد. طبق قوانین بین المللی حقوق بشر، ایران متعهد است با تمام افرادی که آزادی آنها سلب گردیده است (زندانیان)، با انسانیت و احترام رفتار نماید. (۱۷) بعلاوه و بنابراین قوانین، هیچکس نباید در معرض شکنجه، یا رفتارهای تحقیر آمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. (۱۸)

الف - زندان اوین

زندان اوین که در بلندیهای شمال تهران واقع میباشد، در سال ۱۹۷۱ (۱۹) ساخته شده است. اهمیت بین المللی این زندان زمانی معلوم شد که در اواخر رژیم محمد رضا شاه پهلوی، هزاران زندانی سیاسی در شرایط وحشتناک، بدست پلیس مخفی شاه ساواک در این زندان شکنجه میشدند. (۲۰) بعد از انقلاب ۱۹۷۹، حکومت جدید افرادی را که با رژیم شاه همکاری کرده بودند (ساواکیها) را نگه داشت تا در مواقع ضروری آنها را به خدمت فرا خواند تا از وجود و تجربیات آنها استفاده نماید.

در سالهای بعد کسانیکه حامی و پشتیبان انقلاب بودند به افرادی تبدیل شدند که تهدیدی برای جمهوری اسلامی نو پا بشمار میرفتند، در نتیجه رژیم آنها را بازداشت و زندانی کرد. تاریکترین

دوره از تاریخ زندان اوین اواخر تابستان ۱۹۸۸ میباشد. در این سال هزاران زندانی سیاسی در دادگاههای سه شماره ای (سریع) رژیم و (به حکم آیت اله خمینی - م) اعدام شدند. (۲۱)

در سالهای بعد از انقلاب، مجموعه زیبایی از چند ساختمان مخوف در اوین ساخته شد و بطور رسمی تحت کنترل اداره عمومی زندانها قرار گرفت. سپس بخشهای مختلف این ساختمان در چند سال گذشته بدست قوه قضائیه، سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و امنیت سپرده شد. (۲۲)

زندان اوین تنها زندان شهر تهران نیست اما بیشتر افرادی که با ما (ناظران حقوق بشر) گفتگو کرده اند، قسمتی از دوران بازداشت خود را در این زندان گذرانده بودند و در اولین سال بازداشت در اوین مورد بدترین مجازاتها قرار گرفتند. در اواخر سال ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ روش بازجویی در اوین متداول شد. به این معنی که افراد را در اولین سال بازداشت مورد تادیب و مجازاتهای بسیار سخت و طاقت فرسا قرار میدادند تا آنها ضمن (اقرار و اعتراف و مصاحبه) این مکان را به عنوان یک مکان دهشتناک در یاد و خاطره خود بسپارند.

بنظر میاید که در اوائل سال ۲۰۰۰ مقامات حکومتی دریافتند که زندان اوین به دانشگاه تبدیل شده است زیرا این زندان بیشتر روشنفکران، اساتید، دانشجویان را در خود جای داده بود. در این رابطه بیشتر زندانیانی که به اوین فرستاده میشدند و یا از آنجا بیرون میآمدند در این عقیده مشترک بودند که " ما همه در آنجا جمع بودیم و گوئی آنجا مثل یک دانشگاه بود." (۲۳)

زندانیان سیاسی که به جرمهای مشترکی متهم بودند، تجربیات متفاوتی از یکدیگر در مواجهه با زندانبانان و بازجویان خود داشتند. مقامات زندان و بازجویان آنان را شکنجه، تحقیر و به مدتهای طولانی در سلولهای انفرادی حبس میکردند و یا در بازجوییهای متعدد که ۵ و ۶ ساعت به طول میانجامید، زندانیان را جهت فریب دادن، به شکنجه کردن اعضاء خانواده شان تهدید میکردند و یا آنها را از مراقبتهای پزشکی و ملاقات با خانواده هایشان محروم میکردند.

ب- بازداشتگاههای غیر قانونی و نیروهای امنیتی موازی

" شما باید این موضوع را بدانید که زندان ۵۹ فقط یک مکان (خیالی) نیست بلکه یک واقعیت عینی است. انسان فکر میکند که در یک زندان زیرزمینی بی انتها قرار گرفته است. حتی برای کسانی از ما که آزاد شدند، دائما این احساس وجود داشت که آنها همواره در میان فریادهای زجرآور دوستانشان قدم میزنند." (۲۴)

با دیگر عضو مجلس (ششم) از سوی نهادهای لباس شخصی مورد حمله واقع شد، گفتگو داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که این نهادهای لباس شخصی در سال ۲۰۰۴ بیشتر به اموری چون: ربودن رهبران دانشجویی، تهدید زبانی فعالین حقوق بشر از جمله شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل و حمله فیزیکی به جمعیتی که برای شنیدن سخنرانی نماینده دانشجویان و فعالان سیاسی اصلاح طلب آمده بودند، میپرداختند. (۲۶)

این گروههای شبه نظامی لباس شخصی در سالهای اخیر از امکانات بسیار زیادی برخوردار شده اند و در سطوح مراقبت، استخدام، مالی، طرح و نقشه و ارتباطات سازماندهی خود را بهبود بخشیده اند. برای مثال، ناظران حقوق بشر با چندین خبرنگار که شاهد اعتراضات دانشجویی در ژوئن ۲۰۰۳ بودند گفتگو کردند، آنها در مشاهدات خود گفتند که شبه نظامیان لباس شخصی با بوجود آوردن ایستگاههای بازرسی در اطراف دانشگاه تهران، مردم را از پیوستن به جمع دانشجویان منع می کردند (۲۷) و نیز وضعیت را با بی سیم و تلفنهای دستی به مراکز اصلی (پایگاه) گزارش می دادند و (از آنها دستور می گرفتند).

در خلال این گزارش که وقایع آوریل سال ۲۰۰ تا ۲۰۰۴ را در بر دارد، نهادهای لباس شخصی، دفاتر روزنامه های اصلاح طلب را شکستند و به روشنفکران سرشناس در حین سخنرانی عمومی آنها حمله ور شدند. (۲۸).

آنان ضمن ربودن رهبران دانشجویی (۲۹) با باتون و چماق به شکستن شیشه (و ضرب و شتم حاضرین در اجتماعات سیاسی صلح آمیزشان پرداختند. (۳۰) در این رابطه افراد بسیاری را بازداشت و روانه زندان کردند. بدیهی است که با رشد و قدرت گرفتن گروههای شبه نظامی لباس شخصی، دشوار است که تشخیص داده شود که کدام نیرو متعلق به کدام نهاد حکومتی است. برای مثال، در حالیکه بسیج و انصار حزب الله گروههای شناخته شده شبه رسمی هستند، بنظر می رسد گروههای دیگر لباس شخصی جهت سرکوب و مرعوب کردن شهروندان به دستگاه قضائیه تعلق دارند.

بعضی از نهادهای رسمی که در خدمت جناح محافظه کار می باشند، آشکارا فعالان سیاسی را به تلافی کردن و انتقام گیری تهدید می کنند. برای مثال، فرمانده نیروی بسیج دانشگاه امیر کبیر، گفته است که "از حالا به بعد ما با آنها با روش دیگری مقابله خواهیم کرد، ما با افرادی که با عقایدمان موافق نیستند و در مقام خود کارهای غیر قانونی و خلاف انجام می دهند مقابله خواهیم

ایرانیان واژه نهادهای موازی را در مورد انواع سازمانها و گروههای شاخته شده اطلاعاتی و امنیتی غیر قانونی اما قدرتمند بکار می برند و در این رابطه منظور روزنامه های ایران از بکار بردن "نهادهای موازی" و لباس شخصی ها در واقع بسیجیان، انصار حزب الله و انواع سرویسهای اطلاعاتی است که خارج از حیطه وزارت اطلاعات عمل می کنند و در اختیار مراکز بازجویی و بازداشتگاه ناشناخته میباشند.

تعداد مراکز بازداشت غیر قانونی که تحت کنترل مستقیم اداره عمومی زندانها می باشد، نامشخص است. این بازداشتگاههای غیر قانونی بطور رسمی بعنوان زندان ثبت نشده اند و هیچ سند و مدرکی دال بر ثبت نام زندانیان و یا اطلاعاتی راجع به اداره، مدیریت و بودجه آن، وجود ندارد. حتی بعضی از مقامات دولتی مربوطه نیز از این اطلاعات بیخبر هستند. با این وجود بنابر گزارش، تعداد زیادی از این نوع بازداشتگاههای ناشناخته غیر قانونی در اطراف تهران وجود دارد و روز به روز بر تعداد آنها اضافه می گردد.

در اوائل سال ۲۰۰۱ اعضا مجلس (ششم) دریافتند که زندانهای زیرزمینی وجود دارد که از آنها برای حبس زندانیان سیاسی استفاده می کنند. چند عضو مجلس (ششم) به سرپرستی علی اکبر موسوی خوئینی، خواستار بازدید از این زندانها شدند. در نتیجه و بدنبال افشاء زندانهای غیر قانونی ناشناخته این امید بوجود آمد که شاید این زندانها بسته شوند. اخباری مبنی بر بسته شدن زندانهای غیر قانونی بویژه زندان توحید گزارش شد اما طولی نکشید که بعضی از زندانیان سابق اطلاع دادند، آنها زمانی که در بازداشت موقت بسر می بردند، شاهد بودند که ساختمانهای را بعنوان زندان بنا کرده اند. بدیهی است که امکان تأیید این اطلاعات دشوار است اما پر واضح است که مقامات حکومتی در پاسخ به توجهات روزافزون مردم و مجامع بین المللی نسبت به زندانهای ناشناخته غیر قانونی، این زندانها را به مکانهای دیگری انتقال داده اند.

برای مردم ایران به وضوح معلوم است که مراکز بازداشت غیر قانونی و پنهان که بصورت استادانه ای ساخته شده است، در ارتباط و اختیار نهادهای امنیتی لباس شخصی میباشند. این نهادها حمله به روزنامه های اصلاح طلب را سازماندهی می کردند و عامل ضرب و شتم وحشیانه دانشجویان در خیابانهای اصلی شهر و بازجویی از زندانیان سیاسی در این بازداشتگاهها بودند.

ما (ناظران حقوق بشر) با سردبیر یک روزنامه که عضو اولین مجلس بعد از انقلاب است و کسی است که بعد از سخنرانی همراه

بعضی از اعضاء چهل نفره ملی، مذهبیها که عده ای از نویسندگان، روزنامه نگاران و فعالین سیاسی بطور آزاد به آنها پیوسته اند، در مارس ۲۰۰۱ بازداشت و زندانی شدند. بیشتر آنها در یک یا دو زندان غیر قانونی و مخوف مانند زندان ۵۹ عشرت آباد حبس بودند. ناظران حقوق بشر با چندین نویسنده، روزنامه نگار و فعالین دانشجویی که در زندان ۵۹ حبس بودند، گفتگو کرده است. در نتیجه این گفتگوها، بنظر می رسد زندانیانی را که در سلولهای انفرادی اوین زبان به اقرار نگشوده اند، به زندان ۵۹ جهت اعمال شکنجه های روانی و قطع ارتباط آنها با خارج، منتقل می کردند. (۳۶) چند زندانی که بعد از گذراندن مدت زمانی در زندان ۵۹ به اوین بازگردانده شده بودند به ما (ناظران حقوق بشر) گفتند که آنها را تهدید کرده اند که اگر همکاری نکنند دوباره به زندان ۵۹ بازخواهند گشت. زندان ۵۹ که بوسیله سپاه پاسداران اداره و کنترل می گردد در مجموعه ساختمانهای سپاه در ولی عصر تهران واقع است. در این زندان که مسئولیت آن بهعهد حفاظت اطلاعات سپاه است، یکسری سلولهای انفرادی، اتاقهای بازجویی و ۲ سالن مجهز به دوربین های ویدیویی، وجود دارد. در موقع ورود به زندانیان یک پتو (سربازی)، یک حوله، یک ظرف غذا (پلاستیکی) و یک زیر شلوازی ساده می دهند و به آنها گفته میشود که "این محل، جائی است که باید سکوت مطلق حاکم باشد." همچنین به زندانیان تاکید می شود که قبل از باز شدن درب سلول هایشان آنها باید چشم بند به چشم داشته باشند در غیر این صورت نگهبان اجازه خارج شدن آنها (به دستشویی) را نمیدهد. زندانیان در زندان ۵۹ حق ملاقات با هیچ کس از جمله خانواده و وکلای خود را ندارند. گزارش شده است که آنها بخاطر گرمای طاقت فرسای سلولها و فضای آلوده آن دچار انواع بیماریها شده اند در حالیکه از مراقبت های درمانی اوین محروم بودند. علیرغم اینکه گفته شده است که زندان ۵۹ بسته شده است، اما ناظران حقوق بشر با افرادی که اخیرا یعنی در جولای ۲۰۰۳ در آنجا زندانی بودند، گفتگو کرده است. آنها گزارش دادند که در خلال ماههای ژوئن و جولای، هزاران نفری که بازداشت کرده بودند را به زندان ۵۹ آوردند و آنها را در گروههای بزرگ و در سالنهای زندان جای دادند. (۳۷) یکی از بازداشت شدگان که قادر بود بدون چشم بند زندان ۵۹ را بیشتر مشاهده کند به ناظران حقوق بشر گفت که: "در تصور من نمی گنجد که من بدون از دست دادت مشاعرم بتوانم حتی یک شب در این سلولها بسر برم." (۳۸)

کرد و این مقابله برخورد فیزیکی خواهد بود و از این به بعد اعلام می کنیم که مسئولیت این رفتار با خود آنها است و ما هیچ مسئولیتی در قبال آن نخواهیم پذیرفت." (۳۱)

این گفتار بهترین دلیل است که نهاد بسیج دانشجویی کاملا منطبق با خواسته مقامات حکومتی عمل می کند. در این رابطه گزارشهای بسیاری وجود دارد که اعضاء انصار حزب الله مجهز به اسلحه هستند (۳۲) زیرا مردم دیده اند که در ایستگاههای بازرسی که متعلق به لباس شخصی ها می باشد، (۳۳) آنها در خلال اعتراضات ژوئن و جولای ۲۰۰۳ با اسلحه تردد می کردند. (۳۳)

روشنترین ارتباط بین نیروهای امنیتی موازی با حکومت را می توان در مراکز و بازداشتگاههای ناشناخته غیر قانونی مشاهده کرد. یکایک زندانیان سیاسی سابق که با ناظران حقوق بشر گفتگو کرده اند، مدتی از دوران بازداشت خود را در این زندانها گذرانده اند، آنها همگی از یک نوع روشن شکنجه صحبت می کردند. این زندانیان بیش از همه تاکید داشتند که رفتاری که با آنها در بازداشتگاههای ناشناخته و غیر قانونی شده است، بمراتب زجرآورتر از رفتاری بود که در زندان اوین با آنها می شده است. در هنگام انتقال زندانیان به بازداشتگاههای ناشناخته غیر قانونی، به آنها گفته میشد که باید سر خود را پائین نگه دارند و یا با زور آنها را با چشمانی بسته مجبور می کردند که در صندلی عقب ماشین و سر به زیر جای گیرند و سپس بمدت ۴۵ دقیقه آنها را در شهر تهران جهت رد گم کردن و به اشتباه انداختن زندانی می گرداندند. خانواده های زندانیان، یادآور شدند که این کار باعث شد که زندانیان تا زمانیکه آنان را به زندانهای رسمی منتقل نکرده بودند، نمی دانستند که در کدام محل زندانی بودند. (۳۴) یکایک زندانیانی که با ناظران حقوق بشر گفتگو کردند، گفتند که آنها در سلول های انفرادی بازداشتگاههای غیر قانونی مثل زندان ۵۹ و ۶۶، کاملا مجبوس بودند و فقط اجازه داشتند که با چشمان بسته به دستشویی بروند و فرایض دینی خود را در سه نوبت انجام دهند. این زندانیان سیاسی همچنین در گفتگو با ما (ناظران حقوق بشر) از بازجویی های سخت و خشنی که در این بازداشتگاهها انجام می گرفت، توضیح دادند. آنها بدون استثناء گفتند که فقط اجازه داشتند بازجو های خود را که لباس رسمی به تن نداشتند و از اعضاء نهادهای اطلاعاتی و امنیتی لباس شخصی ها بودند، مشاهده کنند.

بقیه از صفحه ۲۰

کمیته دفاع از حقوق بشر منتشر خواهد کرد



ماده (۲) ۱۰ «استاندارد حقوق و آزادی های مصرحه در قانون اساسی، بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و... تفسیر خواهد شد».

قانون اساسی تبت (در تبعید - ۱۹۹۱)

ماده ۴: «وظیفه دولت تبت است که به اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل وفادار بوده و سایر کشور های جهان را نیز به احترام و تبعیت از چنین اعلامیه هائی تشویق نماید.»

قانون اساسی تیمور- لست (۲۰۰۱)

قسمت ۲، عنوان ۱، بخش ۲۳: «حقوق بنیادین که در قانون اساسی تقدیس شده است، نافی سایر حقوقی که قانون مقرر میدارد نبوده و بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر تفسیر خواهد شد.»

قانون اساسی انگلستان (سیستم حقوقی - ۱۹۹۲)

قسمت ۲، بخش ۲: «از آنجائیکه اعلامیه جهانی حقوق بشر از نظر حقوقی یک سند لازم الاجرا نیست، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب نمود. انگلستان در سال ۱۹۷۶ هر دو این میثاق ها را تائید نموده است.»

قانون اساسی تانزانیا (۱۹۹۸)

ماده (۶) ۹: «حفاظت و نگهداری از کرامت انسانی بر طبق روح اعلامیه جهانی حقوق بشر»

قانون اساسی یمن (۱۹۹۴)

ماده ۶: «جمهوری یمن پیوستگی خود را به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر... تائید می نماید.»

منابع مورد استفاده

۱. Hurst Hannum (1995) the Status of the Universal

Declaration of Human Rights in National and International Law, Georgia Journal of International and Comparative Law 25:287

۲. The European Union Constitution

www.unizar.es/euroconstitucion/Home.htm

۳. International Constitutional Law

www.oefre.unibe.ch/law/icl/info.html

۴. National Constitutions

www.constitution.org/cons/natcons.htm

۵. Constitution Finder http://confinder.richmond.edu

۶. Foreign Law Collection www.law.upenn.edu/bl/For-

Intl/Foreign/ForLColl/ForLColl.htm

۷. Constitutional Laws of Nations

www.chanrobles.com/worldconstitutions.htm

۸. Constitutions of the Americas

www.georgetown.edu/pdba/Constitutions/constitutions.html

بوش، تروویست شماره یک جهان

به مناسبت دومین سالگرد حمله آمریکا و متحدانش به عراق، دهها هزار نفر در شهرهای مختلف جهان دست به تظاهرات خیابانی زدند و از دولتهای اشغالگر عراق خواستند ارتشهای خود را از این کشور خارج کنند. یکی از بزرگترین این



تظاهرات خیابانی در لندن انجام گرفت که طی آن تظاهرکنندگان کنار ساختمان سفارت آمریکا گردآمدند و سپس دو تن از سربازان سابق ارتش بریتانیا تابوتی سیاه رنگ را که روی آن نوشته شده بود: "یکصد هزار مرده" جلوی این ساختمان قرار دادند.

سازمان دهندگان این تظاهرات می گویند یکصد هزار نفر در این اعتراض خیابانی شرکت کرده اند، در حالی که پلیس لندن تعداد

بقیه در صفحه ۱۶

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتار ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر